



سه شنبه  
 ۵ اسفندماه ۱۳۴۸  
 ۱۷ ذیحجه ۱۳۸۹  
 ۲۴ فوریه ۱۹۷۰

# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه (۵) اسفند ماه ۱۳۴۸

فهرست مطالب :

۲- ادامه بحث در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور.  
 ۳- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

مجلس ساعت هشت و سی دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای دکتر حسین خطیبی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(شرح زبر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

دکتر اسفندیاری - آموزگار - پرویزی - بانودولت‌شاهی  
 دکتر رضوانی - رضوی - رضازاده - روحانی - مهندس زنجانی  
 شیخ بهائی - دکتر صدر - صدیقیان - دکتر متین - معیری  
 دکتر ملکی - دکتر موثقی - مهرزاد .

غائبین مریض - آقایان :

ارسنجانی - پابنده - بردلی - دکتر بستر تو اعظم -  
 مهندس جلالی نوری - روستا - سلیمانی کاشانی - طباطبائی ظفر  
 دکتر عدل طباطبائی - فروتن - مهندس معتمدی - نیمسار  
 همایونی - دکتر یگانگی .

۲- ادامه بحث در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور

نایب رئیس - آقای فرهادپور بعنوان مخالف صحبت میکند بفرمائید .

فرهادپور - قبل از بیان هر مطلبی بنده هم بعنوان یک فرد مسلمان وظیفه خود میدانم عید سعید غدیر را که برای ما شیعیان از اعیاد بزرگ مذهبی است بحضور همکاران محترم و ملت ایران تبریک عرض کنم و از خداوند متعال آرزو میکنم همانگونه که شاهنشاه ما نمونه کامل پیروی مکتب علی هستند

همه ما در پیروی از این مکتب باری و هدایت بکنند (انشاءالله) بنده اگر در همه حال و همه وضع آدم خوش شانس باشم مثل اینکه در بحث بودجه‌ای شانس زیادی نداشتم چون همکاران محترم خسته هستند (عباس میرزائی - ابدأ) از هیئت دولت هم غیر از آقای دکتر یگانه و چند نفر از معاونین کسی تشریف ندارد بنده ترجیح میدادم آنچه میخواهم در باره بودجه بعنوان یک فرد اقلیت بی غرض و ارشادکننده و دوستی چون آینه برای دولت عرض کنم جناب آقای نخست وزیر بخصوص وزیر دارائی در جلسه تشریف میداشتند و این عنایت را میفرمودند که بودجه مملکتی مطرح است بنده در هر موقع و مقامی وزیر مالیه را مسئول دخل و خرج و امور مالی و خزانه مملکت میدانم (صحیح است) هر دستگاه دیگر جنبه مشاوره برای دولت دارد خیلی متأسف هستم که مشاور محترم آقای دکتر هزاره هم تشریف ندارند چون میخواستم مطلبی را بایشان هم تذکر بدهم همکاران اکثریتی که بعلمت ادامه پنج ساله دولت برمدت هویدا عادت بدفاع بودجه دارند همه ساله میکوبند این بودجه بهترین، کاملترین و پیشرفته ترین بودجه هاست و هر سالی بیک نوع دیگر این بودجه را می آورند می گویند که این بهترین نوع است اگر این بهترین است پس بارسالی بهترین نبوده است حرفهای بارسالی را پس بگیرد ولی این بهترین را از جناب هزاره خواهش می کنم با این مقدمه و راهنمایی که فرستادند

که ما برای اینکه از این بودجه سردر بیاوریم چهار روز متوالی ناچار بودیم از راه نما به اعداد و ارقام و فصول بر گردیم ناچار همین رويه را حفظ فرمائید که در آینده بدانیم بودجه بر اساس این فصل بندی و طبقه بندی مطرح میشود اصولاً بینیم بودجه چیست؟ بودجه برنامه مالی دولت است برای یکسال مالی آینده اما در جهت رسیدن به هدف های کلی مملکتی (یک نفر از نمایندگان کلاسیک میفرماید) یک کمی فرصت بدهید به عملی هم میرسیم بهمین دلیل است که در بودجه آزادی بیان از نظر موضوع ومدت هست، بودجه بخودی خود نمایشکر وضع اقتصادی و سطح زندگی مردم یک کشور است بودجه بخودی خود نشان دهنده نوع تقسیم ثروت و میزان مالیاتهای است که ملتی میردازد و بالاخره بودجه آئینه تمام نمائی است از سیاست داخلی و خارجی کشور و نشان دهنده وضع اقتصادی و اجتماعی ملت، بنابراین با اجازه همکاران محترم باینکه ناطقین قبل در موارد خاص مفصل صحبت کردند بنده عرایض خود را به سه قسمت کاملاً مجزا تقسیم میکنم یکی جنبه کلی و مملکتی بودجه یکی جنبه دولتی و طرز کار دولت و یکی جنبه اجتماعی بخصوص در این دوران که دوران حکومت حزبی است، در جنبه مملکتی بنده فکر نمیکنم از سی میلیون جمعیت ایران هیچکس منکر آن باشد که ماتحت رهبری صحیح رهبر بزرگ ملت ایران گامهای بسیار بلندی برداشته ایم رهبر خردمند ما این معلم بزرگ کار همه دولت را آسان کرده است یعنی برنامه اساسی مملکت و جهت و هدف کلی ملت بدنبال راهی که شاهنشاه در مقابل آنها گشوده است ثابت، مسلم و لای تغییر است ملت ایران امروز بخوبی می بیند که با رهبری صحیح شاهنشاه محبوبش تمام موانع و مشکلات از جلوی پای او برداشته شده (صحیح است) راه برای رسیدن به آرمانهای بزرگ نژاد ایرانی باز و هموار است (صحیح است - احسن) بر شده ما که از جهت اقتصادی آنطور که آقای نخست وزیر فرمودند ۱۲ درصد است و شاید در دنیا کم نظیر باشد از نظر اجتماعی رشد مات ما در دنیا بی نظیر است ملتی که در عرض ۷ سال راهی بسیار بلند را پیموده و به هدف های خودش نزدیک شده فرم گرفته شکل گرفته متحد و متفق در آن راه کام بر میآورد و در این مسئله اقلیت و اکثریت

و ایران نوین و مردم مطرح نیست همه و همه بدنبال شاهنشاه برای اجرای اصول انقلاب حرکت کرده اند قوای که سالها در بند و اسارت بودند امروز در سایه انقلاب آزاد شده اند و با آزادی در ساختمان وطن خودشان کوشش و فعالیت دارند در یک چنین شرایطی زیاد افتخار آمیز نیست که بگویند ۱۲ درصد رشد اقتصادی کرده ایم، یک چنین ملتی و یک چنین حرکتی و یک چنین موقعیتی برای ما بایستی نتایج بمراتب بهتر از آنچه که در این کتابچه بودجه و عملیات دولت نشان داده اند حاصل کرده باشد و ثمره کار بایستی بیش از این باشد که هست (احسن) این آنجائی است که ما با دولت حرف داریم در سایر مسائل حرف نداریم، اتفاق عقیده است کشور ما بر رهبری پادشاه سیاست مستقل ملی اعلام کرده است و در دنیا مظهری است از ثبات عقیده صلح دوستی و ملتی است مورد اعتماد کامل چون بنام تعهدات و گفته های خودش مویومو عمل کرده ما تجاوز و اشغال سرزمین دیگران را بزور محکوم شناخته بودیم، محکوم میشناسیم و محکوم خواهیم شناخت، هیچوقت تغییر عقیده ای نداده ایم، دستگاه وزارت خارجه ما به بهترین صورت مجری چنین سیاستی است و خود شما دیدید دوشب قبل نماینده رهبر کانولیک های دنیا نشان صلح بنویزید خارجه ما میدهد و این اقرار و اعترافی از طرف اکثریت قاطع ملل پیشرفته دنیا است باینکه ایران طرفدار صلح و بشر دوستی و رفاه و آسایش و سعادت ابناء بشر است (صحیح است - آفرین) روزگاری بود دیگران دم از همزیستی مسالمت آمیز میزدند، رهبر بزرگ ما این فکر را هم بنام ایرانی و بنام ملت ایران و اخلاق ملت ایران پشت سر گذاشتند و از همکاری مسالمت آمیز صحبت کردند، عنوان کردند و عمل کردند (صحیح است) این نمونه است از اخلاق، رفتار، کردار و گفتار ما که همیشه بان بای بند بودیم و هیچوقت خلاف آن عمل نکردیم خوشبختانه امروز در دنیا دوست و دشمن ناگزیر باین حقیقت اعتراف دارند که ایران ملتی است صلح دوست، بشر دوست و آنچه در قوه دارد برای اعتلای شخصیت انسانی برای تأمین آزادی و برای تأمین عدالت اجتماعی تلاش میکند چه در داخل مملکت با برنامه های مترقی و چه در خارج مملکت با عنوان کردن در جماع بین المللی این سیاست کلی مملکت ما است حالا بگذارید دیگران هر چه

میخواهند بگویند نیاید باره این گفته ها قضاوت میکنند اگر مثنی غائب زور گو که تمامی اعتبار و بودجه مملکت خود را در امر خدمت آرتش خودش گرفته اند برای برادر کشی برای جنگ با ملت خود و برای عدم کمک به هموعان و هم نژادان خویش بهانه تراشی میکنند هر چه دلشان میخواهد بگویند خوشبختانه ما آنقدر حق داریم و آنقدر بی پایه صحبت میکنند که اگر کسی حرف آنها را نشنیده است دولت خود ما در ادب و تکرار میکند و ترجمه گفته شان و بنا اگر بفارسی گفتند عین گفته شان را در روزنامه های ایران و جهان منعکس میکند تا دنیا باین حقیقت واقف بشود که بهانه جوئی دولت البکر در عراق بهانه ایست بر اینکه به هموعان عرب خودش کمک نکند این حقیقت مسلمی است (صحیح است) دستشان باز شده و دنیا هم این مسئله را قبول کرده و سایر ملل عرب هم میدانند این دیگر بهانه جوئی نمیخواهد به ملا نصر الدین گفتند ثبات را قرض بده گفت رویش ازن بهن کرده ام گفتند اگر نمیخواهی بدهی چرا بهانه جوئی میکنی روی طناب که ازن بهن نمیکنند وزارت خارجه ما اعلام کرده است که ما در عین حال که از حدود و نفور و هستی خودمان با تمام دفاع میکنیم ولی هیچوقت اولین گلوله را ماشلیک نخواهیم کرد، هیچوقت ما تجاوز نخواهیم بود، هیچوقت اردو کشی در مقابل آنها نکردیم این آنها بودند که برای بهانه جوئی قشونی به سرحد ما آوردند و حق مشروع و حق مسلم، حق بین المللی حتی که دنیا بان اعتراف دارد میخواهند زیر پا بگذارند ولی همه اینها بخاطر بهانه ایست که به هموعان عربشان کمک نکنند چون عقیده من حکومت یعنی عراق نه مسلمان است و نه عرب (صحیح است) مسلمان نیست چون مسلمان کشی میکند مسلمان نیست چون بقاع متبرکه ملل مسلمان را محترم نمی شمارد و مسلمان نیست برای اینکه آدم مسلمان مردم بیگناه راده تا دهن دار نمیزند عرب نیست چون بحمايت هموعان عربش نمیرود و شانه از زیر بار مسئولیت خالی میکند (احسن) (اخلاقی - حکومت اجار و او باش است) بنابراین بنده هر چه در مورد سیاست خارجی ایران بگویم مختصری است از آنچه وزیر خارجه ما رسماً اعلام نموده و مصاحبه های شاهنشاه محبوب ما منعکس کننده اراده ملت ما است (صحیح است) ولی این حقیقت را بنده عرض کنم که رادوب بغداد راجع به بودجه

نظامی ما هر چه میخواهد بگوید او باید بداند که ملت ایران برای حفظ حیثیت و برای حفظ حدود و نفور و منافع خودش حاضر است تمام منابع ملیش و تمام تولید ملیش را برای تجهیز نیروی دفاعیش بگذارد برای اینکه حیثیت برای ما بیش از پول و مادیات ارزش دارد (صحیح است) ما هر دمی هستیم که در اثر رهبری صحیح در اثر برنامه های صحیح بر شد اجتماعی و اقتصادی بیش از ۱۲ درصد رسیده ایم ما مملکتی هستیم که بیش از ۷۰۰ میلیارد ریال درآمد ملی داریم آنچه که ما خرج دفاعی میکنیم شاید ۸ درصد این مبلغ بیشتر نباشد بنده عرض میکنم عروزمی، حیثیت، موجودیت، حق حاکمیت همه بجای خود، کدام آدم عاقلی است که برای حفظ ۷۰۰ میلیارد درآمد که چشم طمع دیگران بان دوخته است نیاید ۸ درصد آن را خرج بکند تا اصل آنرا حفظ بکند بخصوص که ما از آرتشمان بعنوان نمونه بهترین استفاده را در پیشرفت فرهنگ در پیشرفت بهداشت و در پیشبرد کارهای انقلابی بعنوان سپاهیان انقلاب میکنیم جوانهای ما امروز با غرور و سر بلندی وقتی در سازندگی فردای ایران شرکت دارند در دور افتاده ترین روستاها خدمت و کار و فعالیت میکنند و نتیجه این کار و کوشش و فعالیت تأمین چنین موقعیت و ثبات و امنیت و آرامش و امکانات مالی است که مادر یک مدت کوتاه یک در آمد سرانهای بالای ۳۰۰ دلار رسیده ایم که شاید در منطقه خاور میانه جز یکی دو ملت کوچک که در آمد استثنائی و جمعیت بسیار کمی دارند کم نظیر و بی نظیر باشد (صحیح است) اما این همه آوازه ها از شه بوده سهم دولت ولی تصور نکنید من آنقدر آدم بی انصافی که بخوایم کار دولت را بکلی انکار کنم، نه بطور قطع و یقین دولت شما اگر کار نکرده بود یک ثانیه هم باقی نمی ماند چون در ایران کار نکردن و وقت تلف کردن خیانت است و به خائن اجازه یک ثانیه اتلاف فرصت نمیدهند نه شما میدهند نه ما میدهم و نه رهبر مملکت میدهد دولت شما کار کرده ولی بحث سر کسر کار است. در وزارتخانه ها صحبت از اضافه کار است ما پشت تریبون از کسر کار دولت صحبت میکنیم یک کمی انصاف داشته باشید کسر کارها را بنده می شمارم رویش دانه دانه صحبت میکنیم شاید در بین این مطالب مواردی باشد که برفع دولت باشد توجه کند و از این کسر کار جلوگیری کند چون هیچکس دشمنی ندارد هر دکتری دلش میخواهد مریضی که پیشش می رود خوب بشود حالا یک موقع است که

دقت نمیکند یا اشتباه میکند اگر کسی باو گفت نباید باو بر بخورد ماولیفه‌های جزراهنمایی و ارشاد برای بهتر استفاده کردن از این امکانات مادی و امنیت و آرامشی که در مملکت وجود دارد نداریم امروز اجتماع ما بر اثر اجرای اصول انقلاب بر اثر باره شدن بندها بر اثر رها شدن از زندانها بر اثر تغییر شرایط اقتصادی و روابط اجتماعی، دارای اجتماعی است آزاد، اجتماعی است متحرک، اجتماعی است که برای فردای خودش کار میکند و اگر طرز کار دستگاههای دولتی با انتظارات و پیشرفتهای اجتماعی مردم ایران هماهنگی نداشته باشد ضرر و خسارت و مخاطره دارد من اینرا دوبار عرض کردم این برای مرتبه سوم است مردم آنقدر جلورفته‌اند تأثیر انقلاب در مردم آنقدر بوده است که اگر دولت بدو برابر سرعت قبل حرکت کند باز بزحمت به آنها میرسد برای رسیدن ب مردم و هماهنگ کردن کار دولت و مردم جنبش و جهش بیشتری لازم است در مسائل جزئی و کلی بنا بر این اجازه بفرمائید چه جزئیات این بودجه عرض کنم ۷ روز تمام در کمیسیون بودجه در خدمت همکاران اکثریتی این کتابچه‌های قطور را با سبک تنظیم جدیدش ورق زدیم و به ارفاش رسیدگی کردم البته بنا بر وظیفه اقلیتی مطالبی عرض شد و برنامه اصلاح گذشته تکرار شد به این عنوان که جناب آقای نخست وزیر در اولین جلسه کمیسیون فرمودند که ما انتقادات اصولی با ارسال اقلیت را مورد توجه قرار دادیم و در بودجه امسال استفاده کردیم بنده از ایشان تشکر کردم باز ذکر این جمله که شما که اینقدر انصاف دارید و اینمطلب را بیان میفرمائید لاف لطف بفرمائید و یکسال تأخیر نکنید و آن موقع که ما میگوئیم استفاده بفرمائید چرا میگذارید یکسال بعد استفاده میکنید امسال هم جز در دو مورد که باید از همگامی همکاران اکثریت بخصوص رئیس محترم کمیسیون و آقای دکتر بزرگان پناه تشکر بکنم که ضمن رد بعضی از پیشنهادهای ما دو مورد را قبول فرمودند بصورت توصیه در گزارش کمیسیون ذکر شود که از نظر همکاران محترم و گرامی گذشته است یکی از این موارد مسئله توجه دادن دولت به اولویت راهسازی و برنامه عمرانی کشور بود که البته مورد علاقه همه نمایندگان اکثریت در کمیسیون هم بود و بصورت توصیه بدولت تذکر داده شد بنده در جاییکه موارد بحث در کارهای وزارت راه میشود جهت ودلائل

این اولویت را عرض میکنم مسئله دیگری که ما بصورت پیشنهاد عنوان کردیم مسئله تعیین تکلیف طلبکار های دولت بنام کارمند بود که از اربابش طلبکار است و اسمش اشتباه محاسبه است بنده شخصاً معتمد کدووشن نکردن این مسئله ضررها و خسارات مخفی اش در دستگاه دولت خیلی زیاد است ولی متأسفانه ما برای اندازه گیری این ضررها آماری نداریم ولی سازمان آمار داریم که باید حضور آقایان عرض کنم در موقع طرح بودجه مسئله به این مهمی مملکت توی آن اطاق بنده را صدا میکنند کمیسیون تشکیل میدهند برای سازمان آمار حالا ببینید که نماینده عضو اقلیت چه بدبختی دارد که در موقع طرح یک چنین مطلب مهمی بکمیسیون برنامه برسد یاد ر جلسه باشد اینجا وظیفه اش را انجام ندهد یا آنجا وظیفه اش را انجام ندهد بعد هم که حرف میزنیم تصور میکنند کار انقلابی آن است که آدم دوتا کار ناقص انجام بدهد بنده شخصاً معتمد که کار انقلابی کاری است که کاری را تمام و کمال انجام بدهند یعنی آنجا با وقت کافی بروند بنشینند و برسدن اولیاد را رسیدگی بکنند اینجا هم وقتی بودجه مطرح است توی جلسه بنشینند حرف را بشنوند مطالب اساسی را بشنوند چه دولت بگوید چه نماینده اقلیت وجه نماینده اکثریت بگوید بشنوند و اگر حرفی میزنند دور از انصاف نباشد (صحیح است) تعجب خواهید کرد در همین ساعت کمیسیون دارائی به مهمترین قانون یعنی قانون محاسبات عمومی در آن اطاق رسیدگی میکرد و اسمش را میگذارند کار انقلابی قانون محاسبات عمومی را ۸ ماه توی کمیسیون میخوانید و یک جلسه تشکیل نمیشود که تا وقت داریم حرف بزیم نمیزنیم ولی درست در تنگ کلاغ پر و آن موقع که گرفتار بودجه هستیم قانون محاسبات عمومی توی آن اطاق میگردد این یک سنت صحیحی نیست و لاف لاف برای ما مشکل است حالا آقایان اکثریت شاید در فراکسیون و در حزبشان این لوايح را قبلاً دیده‌اند و احتیاجی به بحث ندارند ولی من عضو اقلیت بایستی در کمیسیون حضور داشته باشم و نمیتوانم در آن واحد در دو جا باشم این است که من از رؤسای محترم کمیسیون که همه عضو حزب اکثریت هستند این تقاضا توقع را دارم که عنایت بفرمایند ما عدمان کم است نمیتوانیم بطوری تقسیم بشویم که بتوانیم در تمام موارد وظیفه ملی خودمان را انجام بدهیم بنا بر این رعایت بفرمائید

اینطور کمیسیونهای خلق الساعه دعوت نکنید (صحیح است) بحث در بودجه است و اسمی از قانون محاسبات عمومی برده شد من نمیدانم آقای نخست وزیر اینجا تشریف ندارند آقای وزیر دارائی هم که نیستند یک نفر من بگوید آنچه ما بنام بودجه کشور تصویب میکنیم رقم ۴۰۶ میلیارد است با ۱۲۸ میلیارد در آمد عادی؟ من بنام یک نماینده نظردولت را با این نکته جلب میکنم و اعضای کمیسیون دارائی را با این نکته متوجه میکنم که در قانون اساسی رسیدگی بدخل و خرج مملکت به مجلس شورای ملی سپرده شده است هر قانون عادی بیاید و بگوید که مجلس فقط بودجه عادی را تصویب میکند و سایر بودجه‌ها را تصویب نمیکند و مراجع صلاحیتدار دیگری تصویب میکند ارزش قانونی ندارد و اصولاً منطقی نیست یک نلک بودجه بودجه عادی است و شاید کمتر از یک نلک یعنی ۱۲ میلیارد تومان این یک نلک سپرده شده است بدست نخست وزیر و ۲۶ و وزیر خرجی که میکنند تحت ضابطه قانونی است پرداخت حقوق است بر اساس قانون پرداخت فوق العاده، خرج سفر بر اساس قانون بنده بیایم برای مبلغی که در اختیار وزیر جنگ مملکت میگذارند که مورد اعتماد کامل پادشاه و مورد اعتماد مجلس است (صحیح است) بگویم میخواهم رسیدگی کنم قانون میگذاریم ضابطه قانون محاسبات عمومی میگذاریم که بابت را از این خط فراتر نکند و فلان کار را نکن ولی چندین برابر این اعتبارات را بشرکتهای وابسته به وزارتخانه که یک صاحب سهم دارند و نفهمیدم شرکت سهامی بایک صاحب سهم یعنی چه این هم از ابتکارات دولت مترقی حزب ایران نوین است بسیاریم دست او و بگوئیم هر کاری دولت میخواهد بکن تازه وقتی در کمیسیون بودجه میگوئیم اینها خودشان بودجه هاشان را خودشان تنظیم کنند تصویب کنند و ببرند بنظر دفتر بودجه برسانند وقتی کالا آوردند اینجا بنام جمع و خرج بی ضابطه توانند استفاده کنند اگر دخلاً خرجاً یک رقم میگذارید خیلی بهتر و راحت تر از حالا بود که سه تا کتابچه ضمیمه بودجه بدست ما میآوردید میدید ولی فرطی همین روز اگر آقای صاحب سهم، یک وزیر برود به نشینند یاسه ناهیت مدبره بروند بنشینند بودجه خود را تمامیش را زبرور بکنند حق دارند این نه بنفع دولت است نه به مصلحت مملکت است نه مفید فایده است و نه منطبق با قانون اساسی است خرج را میخوانید بگذارید

تحت ضوابط خاصی بکنند بکنید مقررات خرجی گذاشته‌اید بگذارید در صورتیکه با همین مقررات هم ما را از میان بارهای دردها بشیمان کردید باید بگویم: از تلاش کشتن بشیمان گشته‌ایم - مرحمت فرموده ما را مس کنید، بنده و چند نفر از همکاران پارلمانی و چند نفر از دوستان حزب بان ایرانیست راجع به استثنای نسبت یک عده از مؤسسات در طول سال اینجا عرابضی کردیم رفتید یک لایحه قانون محاسبات عمومی آوردید که درست است مقصود ما این نبود مقصود ما این بود که در طول ۵۰ سال گذشته با نوع خرجهاییکه کردید با سیستم حسابداریهائی که داشتید حسابداریهائی قدیم حسابداری دوی حسابداری سازمان برنامه حسابداری با عملیات مخصوص حسابداری سیستم امریکائی حسابداری سیستم فرانسوی سیستم آب و برق تهران بهر کیفیتی که دارید با ماشین حساب I.B.M (آی - بی - ام) و بدون این ماشین بیایید برای دخل و خرج مملکت و این خرجی که میشود متناسب با وضع اقتصادی امروز یک ضابطه بگذارید بجهت دلیل بنده یک وزیر را تحت یک ضابطه‌ای قرار بدهم برای یکدهم بودجه اش که اسمش بودجه اداری است و ندهم دیگر را هر کار که دلش میخواهد میکند خوب این یکدهم دیگر را هم بنده و دلش میکنم ولی بیایید یک مقرراتی بگذارید که شامل حالشان باشد و در عین حال باعث جلوگیری از انحرافات که خدای نخواستہ ممکن است در بعضی از مأمورین یا بعضی از دستگاهها پیش بیاید ما بیچوجه مأمورین دولت را متهم نمیکنیم مردم ایران نژاد پاک، خون پاک دارند، مسلمان، صحیح العمل و کمتر از همه دنیا منحرف هستند ولی بهر حال برای آن عده کم هم ضابطه‌ای لازم است این ضابطه را بگذارید و یک قانون صحیح بدست دولت بدهید بارها بنده عرض کرده‌ام دولت شما طولانی شده است ولی ابدی نیست اما قانون محاسبات عمومی برای ۵۰ سال دیگر است فکر میکنم اگر هیچ ضابطه دیگری نباشد جناب آقای مهندس روحانی عزرائیل که دیگر کنترل ندارد (عباس میرزائی - مهندس روحانی جوان است انشاء الله چند سال دیگر عمر میکند) انشاء الله، ولی روبرو مرضیه حزب محترم ایران نوین استفاده از نیروی جوان است و جوان هم که کم تجربه است بپر که بشون میگذارند کنار (عباس میرزائی - کل من علیها فان) البته همه این راه را میرویم و بطور مسلم مقصود و مقصد همه



یکی است (اخلاقی - آقا شب عید است این حرفها چیست؟) بلی بگذریم سب عید هم باشد عیبی ندارد گاهی اوقات بیاد مردن بیفتیم شاید يك حمد و سوره ای بخوانیم بمصدق کس نیارد ز بس توبیش فرست، آقای دکتر میرعلاء تودکتری طبابت میکنی شغل ت شریف است و قیمت دارد اما يك دعائی هم میکنی ضرر ندارد بهر حال بحث در این بود که مردم مملکت ما بر اثر انفراز اجتماعی ایران آنچنان رشد سریع و پیشرفتی کردند که دولت برای بر آوردن توقعات و انتظارات آنها با یستی کوشش و فعالیت بیشتری داشته باشد امروز ملت ایران آرمانهایی دارد انتظاراتی دارد و این انتظارات نمودار رشد فوق العاده آنهاست شما در سر تاسر مملکت وقتی نگاه کنید کوچک و بزرگ، زن و مرد روستائی و شهری به ارتش خودشان افتخار میکنند وقتی میشوند که ما دارای نیروی دریائی قوی خواهیم شد احساس غرور میکنند وقتی می بینند که ما با همین بودجه قلیل آنچنان ارتش نیرومندی داریم که دیگران جرأت تخطی ندارند و از دور باوه سرائی میکنند با غرور و سر بلندی بر هر بزرگشان دعا میکنند و برای امنیت و آسایشی که دارند حفشناس و سپاسگزارند (صحیح است) این مردم در روستاها روز بروز از شما فرهنگ و بهداشت بیشتری میخواهند خیلی کار شده نسبت با توفت و نسبت بدوره قبل از انقلاب کارهای خیلی زیادی شده اما رشد مردم آنقدر است که بیش از این میخواهند و میگویند بجه مناسب شما در بودجه نان دژ برنامه نان میگویند که تا آخر برنامه ما پنجاه درصد اطفال واجب التعلیم روستاها را بمدرسه میرسیم همه بچه های ما را باید بمدرسه ببرد تقاضا بسیار مشروع است میگویند من میدانم که دیگر این درس دبیرستانی بدر من نمیخورد مدرسه حرفه ای بیاورید تا من بچام را بگذارم در آن مدرسه حرفه ای و این خون ملی و این شعور ملی و این رشد ملی بخدا چیزی است که اصلا قابل ارزیابی نیست و هزار بار بیش از امکانات مالی است که ورویش تکیه میکنید (بزشکپور - آقای دکتر میرعلاء جواب دادند گفتند اگر پول ندارند و ندیدیم بیمارستان و پول ندارند بمدرسه نروند) (با نوجوانانی - تحریف نکنید این حرفها چیست) بنده متأسفانه بعلت کسالت موقع صحبت ایشان نبود ولی آنطور که دکتر میرعلاء را میشناسم میدانم که او هم دلش با من یکی است و آرزو دارد که همه افراد ملت ایران از بالاترین سطح بهداشتی استفاده کنند (صحیح است) انشاء الله آن

روز هم میرسیم مردم راه میخواهند (عباس میرزائی - البته همین دولت هویدا بهمین آرزو خواهیم رسید) بشرط جبران کسر کار تان هیچوقت آرزوی شکست و سقوط شما را ندارم (احسن) کسر کار تان را جبران نکنید ما هم حمایت میکنیم ما میخواهیم مملکت جلو برود آنطوریکه امکانات هست و زمان اقتضا دارد. مردم اجرای اصل نوسازی را در دهات میخواهند اکثر شهرهای مملکت ما در سایه پیشرفتها تیکه کردیم از آب لوله کشی استفاده میکنند روستائی ما آنقدر غفلت رسیده که دیگر مثل فلان عرب بدوی دمرو روی جوی نخواهد و آب بخورد آب لوله کشی میخواهد به خیلی جاه داده شده آنجاها تیکه که داده نشده باید بهشان داد مردم از شما ایجاد واحد کار میخواهند این صحیح نیست که ما اینقدر بی اعتنا باشیم که بعد از اجرای مراحل اصلی اصلاحات ارضی بعد از مکانیزه شدن کشاورزی بفکر تأمین واحدهای شغل کافی نباشیم شما باید کاری کنید که اینها در محل خودشان بتوانند کار کنند تهران گنجایش ۵ میلیون جمعیت را بیشتر ندارد آب برای بیشتر از این تعداد جمعیت ندارد به بحث شهری که رسیدیم با توفت خواهم گفت مهندسین مشاور شما توجه و تشخیص صحیح ندارند شما برای نوسازی باید از دورترین نقاط و از کوچکترین شهرها شروع کنید هم بسایر برنامه ها کمک است چون الان معلم میخواهد بفرستید بزرگ میخواهد بفرستید اینها تحصیل کرده اند محیط مساعد برای زندگی میخواهند چرا نمیروند در ده که خرج ارزاتر است چون يك معلم يك لسانیه يك دكتر میداند که زمین گل است پایش تا زانو توی گل میرود بچهاش که گلی می شود خانمش غرغری می کند و زندگی سخت می شود هر قدر فداکاری داشته باشد سعی می کند نرود اما این خرجی که شما در تهران می کنید این زرق و برقی که در تهران ایجاد می کنید این قدرت جاذبه ای که بدون جهت برای تهران فراهم می کنید این را ببرید در شهرهای کوچک خیلی ارزاتر است شما برای نوسازی يك شهر ۵۰ هزار نفری يك دهم خرج نوسازی يك محله ۵۰ هزار نفری تهران را نخواهید کرد و اگر این خرج را بکنید آن شهر نو می شود (صحیح است) بروید از واحدهای کوچک شروع کنید این سدی می شود در مقابل مهاجرت به تهران و امکان میدهد برای فرستادن نیروی متخصص بسطح شهرهای

کوچک و روستاها البته در این فصل مفصل بحث خواهم کرد. باین مناسبت و برای رسیدن بجد کمال این آرزو های ملی و برای جبران کسر کار دولت همانگونه که سال گذشته پیشنهاد کردیم امسال هم در کمیسیون بودجه پیشنهاد کردم که بطور کلی ۵۵ درصد از هزینه های زائد اداری که متأسفانه آقای دکتر هزاره نیستند که به ایشان نشان بدهم و یاد بدهم کجاها این بودجه زیادی است و این دفتر بودجه چه کاری باید بکند و نمیکند سال گذشته آقای نخست وزیر وعده فرمودند و مثل هر ایرانی خوش عهد و پیمان به وعده خودشان عمل کردند و گفتند از راه تخصیص اعتبار ما این صرفه جوئی را میکنیم و آنچنان کردند و دیدیم در تاستان امسال اعتباراتی بر اساس همین صرفه جوئیها تأمین شد بنده به ایشان پیشنهاد میکنم صرفه جوئی ۵ درصد هزینه های اداری اکثر دستگاههای دولت کاری است بسیار ساده و بیچ وجه و بوظایف آنها صدمه نمیزند شما این کتابچه بودجه را باز کنید ما در کمیسیون بودجه وقتی در فصل ۵ بر حسب وظیفه اعتبارات را خواندیم به استناد همان مطلب که عرض کردم وقتی نقد فترا ول کنیم يك دهم دیگر ضرورت ندارد فصل ششم را درست گذاشتیم کنار اما خودتان ورق بزید افزایش هزینه های ماده يك و دو دستگاههای دولت را ملاحظه کنید و خیلی خوشمزه است که گاهی اوقات ماده يك دستگاهی رفته بالا و تناسبش با ماده ۲ بهم خورده و يك دهم ماده ۲ دستگاهی رفته بالا و تناسبش با ماده يك بهم خورده بنده فکر میکنم دستگاههایی که زیاد مزایا میدهند بعنوان مستمر و پاداش و از این حرفها ماده ۲ آنها غلبه دارد بر ماده يك اینرا اگر آقای مهندس روحانی توجه بفرمایند در شرکتهای تابعه خیلی بفع خواهد بود در اکثر مواد هزینه ملاحظه بفرمایید يك مؤسسه ای در سال تأسیس يك مقدار هزینه اثاثیه داشته این میشود هزینه با به هر سال در دفتر بودجه عین آن مبلغ را اگر زورش نرسید و بسا بیشتر از آن مبلغ را اگر زورش برسد خواهد گرفت و میکرد و جلوی رقم مینویسد خاطر می آید آن موقع که آقای دکتر مجیدی بود چه رسیدگی میکردند به این مطلب خیلی دقیق بودند و اعتبار سازمان مربوط به بنده را از این باب در باب مؤسسه ای که اداره میکردم خط کشیدند و من آرزو داشتم که در مورد سایر دستگاهها هم دفتر بودجه اینکار را میکرد چون حقیقتاً عرض میکنم صرفه جوئی بمعنای واقعی یعنی نتیجه مساوی با خرج کمتر است به این عنوان که بهشت جلد این دفتر از مقوای

گلاسه است اگر مقوای گلاسه هم نبود برای من و شما همین مفهوم را داشت و ممکن بود جلدی صد بار ارزاتر تمام میشد این را میگویند جلدی صد بار ارزاتر تمام میشد سازمان برنامه و دفتر بودجه است که فکر میکنند این کتابچه ها را هر چه فشنکتر چاپ کنند ما میگوئیم بارک الله در صورتیکه میبایست از خودش شروع میکرد و نشان میداد ما میخواهیم که عدد و رقم را بخوانیم کاغذ گلاسه به چه دردی خورد چه ضرورت دارد که این سرفصلها را کلیشه بکنند و با خط بنویسند من يك آدمی هستم که میتوانم بگویم اگر هیچ چیز ندانم و بلد نباشم در صنعت چاپ لا اقل اطلاعاتی دارم که اگر شما این را مستطی ننویسید و کلیشه درست نکنید خیلی ارزاتر تمام میشود چون هر سال که عوض میشود اگر می گفتید هر سال عوض نمیشود کلیشه درست کردیم که سال ها استفاده میکنیم این يك حرفی بود (بزشکپور - اتفاقاً همینطور است) سرفصلها عوض می شود بهر حال عنوانها تازه است در هر حال صرفه جوئی عبارتست از بدست آوردن نتیجه مساوی با خرج کمتر ملاحظه بفرمایید چند روز پیش عرض کردم حالا توضیح میدهم یکی از مشکلاتی که ما داریم اینست که عادت نکرده ایم قبول کنیم يك کسی اگر مطلبی میگوید نه غرض دارد نه مرض دارد نه نقعی دارد نه مقصود خاص بنده چند روز پیش اینجا مطرح کردم اداره دخانیات با شرکت محترم دخانیات چر ارفته با ما می ۲۱ هزار تومان محلی را اجاره کرده بکنفر بمن نگفت بارک الله هر کسی رسید گفت بجه خرده حسابی با دخانیات داری والله من هیچ خرده حسابی با دخانیات ندارم يك وقت سیگاری بودم الحمد الله آنرا هم ترک کردم چون این مزخرفی که این مؤسسه بخورد مردم میدهد نکشیم بهتر است اما يك مطلب را بگویم این محلی که ۲۱۰۰۰ تومان اجاره کردند بزرد يك ۸۰ اطاق دارد ۸۰ اطاق با ۲۱ هزار تومان آقای دكتر یگانه بفرمایید کرایه هر اطاق ماهی چند می شود (مهندس عدل - ۲۵۰ تومان) درست است ۲۵۰ تومان ملاحظه بفرمایید وقتی برای اداره ای در واحد بزرگ هشتاد اطاقی يك مرتبه هر اطاق را ۲۵۰ تومان کرایه بگیریم که آشپزخانه نخواهد آبریزی ندارد حمام نمیکند ۱۲ ساعت در روز مورد استفاده نیست اینها همه از نظر صاحب خانه حساب است حالا شما بمن بگوئید آقای وزیر کار يك کارگر شما بازن و چهار بچه اش چند تا اطاق میخواهد؟ بکنفر

از نمایندگان - نصفی) برای این چند اطاق جقدر اجاره باید بدهد در مورد خود دولت ارزاترین جایش را عرض کردم آجائی که برای وزارتخانه اجاره کردند اطاقش ۳۵۰ تومان می افتد آجائی که برای وزارت علوم گرفتند اطاقش می افتد ۴۰۰ تومان و جاداریم که اطاقش بیفتد ۵۰۰ تومان (رامبد - نمونه صرفه جوئی است) خوب دخانیات را گیرم شرکت میدانید نتیجه اش چه شد بنده یکبار این حرف را خدمت آقای وزیر مالیه زدم خوشوقت میشدم اگر اینجا بودند (عباس میرزائی - آقای قوام صدری هستند) آقای قوام صدری حواسشان زیاده بود چه نیست آقای وزیر مالیه هم تشریف ندارند این مطالب مطالب اساسی است از تمام این شرکتهای دولتی که در اینجا منفعت نشان میدهد شما حق انحصارش را بگیرد و لاش کنید با سرمایه دولت با مردم آزاد رقابت کنند اگر یکی از آنها توانست سر بایش بیاختد حق باشماست دخانیات عایداتش از حق انحصار است افزایش عایداتش هم از کسر کار وزارت آموزش و پرورش است از کسر کار وزارت اطلاعات است از کسر کار تعلیم و تربیت است که سطح سیگار کش در مملکت ما رسیده به بجه ۱۳ ساله میگویند نه؟ تشریف ببرید در این تریاها کافه ها به بیند که اکثر بچه های ۱۳ ساله نشسته اند و یکی از افتخاراتشان دود کردن سیگار است (صادقی - مگر شما تشریف بردید؟) بله در خدمتتان چندین بار جناب آقای صادقی عزیز من از اینکه وسط صحبت من مطلبی برای رفع خستگی دوستان پیش بیاید بدم نیاید ولی مسائل اصلی و اساسی را شما میدانید بنده هم میدانم شما عضو اکثریت هستید بیرون از جلسه در گوش من می گویند اینجا نمی توانید بگویند من اینجا میگویم انرژی صرف میکنم گوش بدهید شاید انشاء الله نتیجه بگیریم در ارقام بودجه آنچه قابل بحث است رقم درآمد ماست بنظر من رقم درآمد بخصوص درآمد از محل مالیات های مستقیم امید بخش و ناسحدی قابل تحسین است هم برای مجربان عمل هم از نظر مملکت چون نموداری است از گردش کار و توسعه اقتصادی و وضع عمومی مردم حقوق بگیر شما در این مالیات های مستقیم نسبت به سال ۴۸ بیست درصد اضافه دارید مالیات بر حقوق به پنج میلیارد و ۷۳۴ میلیون رسیده و این نمودار خوبی است چون همما میدانیم که در مملکت ما کسانی که کمتر از ۵۰۰ تومان در ماه درآمد دارند بخودگی مالیاتی دارند اگر مالیات بر حقوقی گرفته

منفعت قابل توجهی بدست خواهد آمد بنده فکر میکنم اگر در سطح دولت متخصص نباشد لافل برای راهنمایی در این مسائل اقتصادی از آقای حی استفاده کنید تخصص اقتصادی ایشان مسلم است و دولت باید استفاده بکند و اقامه میگویم این جای هیچ تعارف نیست از نتیجه کار بایستی قضاوت کرد يك آدم مدير يك آدم اقتصادی يك آدمی که عقلش میرسد که چه جور يك دستگاهی منفعت میدهد از نتیجه کارش بیداست بنظر من دستگاههای انتفاعی دولت بازدهی متناسب با سرمایه گذاری آنها ندارند و سوء مدیریت دارد اکثر آنها چند تاائی که در جهت وظیفه و انجام وظیفه دولت است رقابت بی جهت با بخش خصوصی می کنند و نتایجی خلاف هدف و نظر اولیه از اینها بدست می آوریم يك روزی فروشگاه فردوسی باز کردند که قیمتار کنترل کنند يك آدمی هم سرمایه گذاری خصوصی کرده يك چیزی نظیر آن باز کرده بروید این دو را مقایسه کنید مالیات هم میدهد قیمتش هم از این گرانتر نیست سرمایه دولت هم حبس نشده از دولت هم ضرر و زیان نمیگردد مجلس را هم با بول خودش ساخته اینکه هنوز بایت مجلس بیانگ نمیدانم کجا بدهکار است چه اصراری است اگر رفقا بیکار میمانند والله بخدا يك اعتبار بگذارید حقوق رفقا را بدهید که راه بروند و بی جهت خسارت نزنند سرمایه ای که در فروشگاه فردوسی خوابیده بدست هر تاجر جری بدهید صدی ۵ ببرد میگیرید بنظر من در سال میلیونها بول عایدی شما خواهد شد (صحیح است) دولت هفده مؤسسه انتفاعی، ۵۸ مؤسسه بازرگانی دارد نصف این مؤسسات زانداست خرج تراشی است رقابت با بخش خصوصی است در جهت عکس سپردن کار مردم ب مردم است (صحیح است) خیلی از این مؤسسات که بصورت اداره، اداره میشود و ضعف با امروز که بصورت شرکت اداره میشود فقط این تفاوت را دارد که سه تا هیئت مدیره دارند اختیار سر خود هم هستند هر کار دلشان خواست می کنند لافل يك موقع يك وزیر مشول در مقابل مجلس بالا سرشان بود يك رئیس داشتند يك حدی داشتند حقوقشان متناسب با سایرین بود دستگاه اطاقشان از مال وزیر لوکس تر نبود و مبل صندلیشان از مال وزیر عدلیه گران قیمت تر نبود... آخر آقای يك مقایسه ای بکنید بگفته بلند بشوید بروید توی وزارت عدلیه توی اطاق قضائی که همه سر تنظیم در مقابل شخصیت آنها برخورد می آوریم به بیند پشت چمیزها و صندلیهایی نشسته اند يك مرتبه بروید به يك شرکت دولتی حوزه آب خواه برق خواه دخانیات جدید

با شیر باستوریزه حتی بروید جوجه کشی نارمک هر کدام را که دلتان میخواهد به بیند بروید به بیند اطاق يك مدیر جوجه کشی چه مبلغی دارد که در اطاق رئیس دیوان عالی کشور چنین میزند و صندلی نمی بینید آخر آقای این مطالبی که عرض می کنم این مطالبی که ما میگوئیم شما هم میشنوید بخدا دشمنی نداریم، بحق حق اینها را میگویم که اگر رودر بایستی با دوستانان دارید رودر بایستی ها از بین برود بگویند يك اقلیتی هست هیچکس را نمی شناسد چشمش را هم میگذارد دوست و دشمن نمی فهمد هر چه بنظرش رسید بی پرده میگوید و این ایراد را گرفته اگر حرف صحیح است این کار را بکنید (بکنفر از نمایندگان - اطاق رئیس مجلس شورای ملی را بفروشد) بلی نمونده اش اطاق رئیس قوه مقننه رئیس مجلس شورای ملی ایران است بروید تماشا کنید صندلیهایی که اینجا رویش نشسته اند خودتان مقایسه کنید با مبلهای استیل با فرشهایی که ایشل ایرانی بود فرش ماشینی قرنکی موکت می چسباند (دکتر قیرمان - در عوض ارزاتر است) ولی کم دوامتر است، از خارج وارد شده ارز مملکت رفته است سالیان است کار در شیر باستوریزه يك کار بیداشتی است بانگ توسعه صنعتی صادر از زمان برامه این کار را مطالعه کرده مفید تشخیص داده قابل بهره تشخیص داده اکثر سرمایه دارهای خصوصی را گیر انداخته هم می کرده که بروند در این راه سرمایه گذاری کنند بنده هم چند عرض میکنم که اگر راندمان يك کارخانه ازده تن برود بالا و يك بازار مصرفی مثل بازار مصرفی تهران بغش جسیسه باشد حتماً منفعت میکند همین وزارت دارائی و وزیر دارائی که زیر این بودجه را امضاء کرده و برای شیر باستوریزه این رقم را گذاشته با ۱۶۰ تن تولید روزانه (بکنفر از نمایندگان - صد تن) ۱۶۰ تن شده آقای رهبری مثل اینکه ۱۶۰ تن درست است ۱۶۰ تن تولید و بازاری مثل بازار تهران بپلویش ماستش گیر نه یا بدبیر بشت دیدید ماست کسه ای بماداند یا بید بگوئیم ماست کسه ای بهتر است یا اینکه ماست باستوریزه پیدا نمیشود کرده اش پیدا نمیشود و بازار سیاه دارد و قیمتش را دولت گفته ۱۵ ریال ۱۸ ریال کمتر هر کدام میخرد به بنده بگویند (مهندس عدل - شیر رایگان میدهند) شیر رایگان مقدار مختصری میدهند خودتان را گول نزنید شما در آن دستگاه



بودید و پولش را هم در بودجه گذاشته میگرد (مهندس فیروز عدل - من رئیس آنجا بودم) رئیس آن دستگاه هم بودید (مهندس عدل - آمارش هست که مجانی داده میشود) آمارش را خواندم بولی را هم که دولت میدهد دیدم بازار تهران را هم دیدم نواز کارخانه را هم دیدم وظلمی را که به مملکت کرده آنگاه دیدم (مهندس فیروز عدل - ما نکردیم) من که رئیس شیر باستوریزه نبودم (یک نفر از نمایندگان - ایشان خیلی خوب کار کردند) قبول دارم خودشان دارند کار خوبشان را اینکار میکنند (مهندس عدل - بنده افتخار میکنم که خیای خوب کار کردم) مسلم است اگر ایشان افتخار نکنند فردی است شرمند بنظر من اگر وزیر دارائی در شهر تهران از کارخانه شیر با که سرمایه گذاری خصوصی است مالیات میگیرد کارخانه شیر باستوریزه را برود بگردید زیر آبش به بینید از کجاست؟ بحث دیگری که در کارهای دولتی دارم برای صرفه جویی بعد از کسر کار عیب و دو باره کاری است یعنی یک وظیفه را بطور ناقص چند دستگاه مختلف برایش بوجود آوردند و جز خرج تراشی کاری نمیکنند بعنوان نمونه در مملکتی که چند سال است در آن قانوناً و بطور رسمی وزارت آبادانی و مسکن تأسیس شده شخصیت هائی مانند دکتر نهاوندی یا آقای نیک پی شهردار فعلی تهران یا آقای دکتر یگانه (دوم) رأس این وزارتخانه اند کار این وزارتخانه را به بینید چیست؟ غیر از این است که کادرفنی برای ساختمان و عمران و آبادی در سطح مملکت برای وظیفه دولتی فراهم می کند دفتر فنی سازمان برنامه با تشکیلات عریض و طویل دفتر فنی وزارت کشور یک خورده عریض و طویلتر از این دفاتر فنی استانداران در شهرهائی که عین وزارت آبادانی و مسکن هست یا اداره کل آبادانی و مسکن بوی شهر تهران استانداران یک دفتر فنی درست کرده برای چی؟ نمیدانم اگر هم دوسال تمام لوله کشی آب تا کستان بخاطر یک موتور پمپ معطل نمانده بود و این دفتر فنی وظیفه اش را انجام داده بود اینجا چیزی عرض نمی کردم خوب چکار می کند؟ اینها توی برنامه هر کدامشان که بینید شما لخانه میسازند، قصابخانه میسازند عرض شود لوله کشی آب می کنند راه فرعی میسازند راه روستائی میسازند کار عمرانی در روستاهائی که کننولی تمام این کارها در وظائف وزارت کشور هست در وظایف وزارت بهداشتی هست توی وظایف وزارت آب و برق هست توی وظایف وزارت آبادانی و مسکن هست توی وظایف وزارت راه هست توی وظایف سازمانهای

وابسته به سازمان برنامه هم هست هر کدام هم یک کار ناقص می کنند، یک مژده بهتان بدیم در اکثر موارد هم مهندس مشاور دارند این یک دملی شده برای مملکت ما (رامبد - بفرمائید سرطان) خوب اگر سرطان باشد دیگر معالجه ندارد بنده گفتم دمل شاید اگر درمانی برای اینکار شدی شتری زده شود انشاء الله معالجه می شود یک مشت مقاطعه کاریک مشت مهندس مشاور و آقایانی که عضو کمیسیون برنامه هستند شاید شهادت بدهند که رئیس فعلی سازمان برنامه خودش اقرار کرد که قیمت کارهای تمام شده وسیله این مهندسین مشاور در سطحی بسیار بالا و گران و محتاطانه با وضع این مملکت مانیت (صحیح است) بجای اینکه بروند چهار صد کیلومتر راه با استاندارد مهندسین مشاور سازند با همان پول می شود چهار هزار کیلومتر راه ساخت ما امروز ارتباط را برای پیش برد تمام برنامه های خواهیم ما چیز لوکس نمیخواهیم آقای مجید محسنی اگر بودند این شهادت را میدادند که راه فرعی کیلان از راه اصلی تهران مازندران راه فیروز کوه عریض تر و استانداردش بالاتر و گران قیمت تر است (عباس میرزائی - اینجاست بنده) شاید خود ایشان با من همصدا باشند که بجای این تکه راه پنج برابر آن راه برایش میساختند موکلیشان را راضی میکردند دهات بیشتری را متصل میکردند شریانهای بیشتری را ایجاد میکردند تا روزی که انشاء الله اقتصاد مملکت ما با آن پایه ای که نظر بلند مهندسین مشاور از اروپا برگشته است برسد و ما هم آنوقت راه های با استاندارد آنها بسازیم ولی امروز ما راه ایرانی می خواهیم برای ایرانی را می خواهیم که روستائین های ما به شهرداری پیدا کنند و روستائی جنش را بیاورد و بفروشد خدمانی اگر دولت میخواهد بکند باید از یک امکانات بیشتری استفاده کند مسئله ای که برای شخص جنابعالی آقای دکتر رهنما اهمیت دارد تازه انحصاری بودن این مهندسین مشاور است یعنی اگر امروز یک جوان تحصیل کرده ایرانی با یک تحصیلی مافوق آنچه که مهندسین فعلی دارند و قبول شده اند از در وارد شود یا باید سر بارش شود، نوکر دولت بشود یا باید نوکر یکی از آن مهندسین مشاور که از خودش کمتر است بشود و باید بگویم در باره ای موارد متأسفانه بر اثر یک تربیت غلط که بجایش خواهیم رسید بر میخوریم باینکه بر میگرد و میرود یعنی مادیات بر عرق میهنی او غلبه میکند و میرنجد از اینکه در این محیط برای او بخاطر منفعت

دیگری راه را بازنمی کنند چرا باید اینکار را بکنند اگر سطح معلومات است اگر درجه اطلاعات است که میدانیم علوم و فنون روز بروز پیش میرود بهترین شود درجه معلومات بالاتر میشود دلیل اینکه امروز تحصیل کرده های جوانی که برگشته اند نسبت به نسل گذشته دانانترند اگر چه بحق شما آنها را از نظر احترام سنی با بنهاتر جیح میدهد یک مهندس که امروز میآورد مملکت میشود بجه دلیل حق ندارد که در گانه گوری و طبقه بندی سازمان برنامه یا سایر دستگاههای دیگر بنام مهندس مشاور شرکت بکند؟ یک جوان مهندسی که میآید و میخواهد سرمایه گذاری کند و هنوز آنقدر جوان است و صنعت پرست نیست و بطور قطع از مقاطعه کاران فعلی شریقت است و عزت نفس بیشتر است چرا راه را جلوش می بندید و کار را منحصراً می کنید به چند تا مقاطعه کار محدود، من گاهی اوقات روزنامه اطلاعات میخوانم آدم خوش شانس هست جناب آقای مسعودی برای اینکه بعضی اوقات بعضی چیزها مد میشود یک کسی که میمیرد شخصیت های حقوقی هم اعلان ختم میدهند یک مقاطعه کار میمیرد هشت تا شرکت اعلان ختم میدهد، آدم نیست شخصیت حقوقی است معلوم است که این بزرگوار زی سهم در ۸ تا شرکت بوده یکی باسم زنش یکی باسم خاله اش یکی باسم عمه اش یکی باسم دائیش خوب این عدالت است ما طبقه تحصیل کرده را اینطوری میخواهیم نگاهداریم که بگوئیم یا نوکر دولت بشو یا برو نوکر کمتر از مثل خودت بشو یا باینتر از خودت چون او شش روز زودتر آمده و توی طبقه بندی مشاور رفته این یک دردی است باید دقت کنیم در زمان کنیم (عباس میرزائی - پس بالاخره گانه گوری شد طبقه بندی؟) کم کم جناب آقای عباس میرزائی من و شما سوادمان پیش میآید فرانکی می شویم رفقا میگویند می شنویم و یاد میگیریم حال من یک خورده در اصطلاحات انگلیسی کند ذهن هستم زبانم نمیچرخد عرض کنم وقتی که من جوان بودم یک خورده فرانسه میدانستم.

**عباس میرزائی** - بالاخره کبر سن فراموشی میآورد.

**فرهاد پور** - ملاحظه میکنید که بادم نرفته.

**عباس میرزائی** - اما نمایندگان ۱۰۲ تا نشسته اند و

وزراء هم ...

**فرهاد پور** - من خیلی متأسفم که شما ۹۶ را ۱۰۲

میخوانید.

**عباس میرزائی** - الآن شد ۹۶ نمایندگان رفتند

بیرون.

**فرهاد پور** - آقای مهندس روحانی مسئله ای که در

دو باره کاری بایستی مطرح بکنم قسمتی مربوط به

کار جنابعالی میشود ممکن است بفرمائید فنی و علمی

نیست ولی من آنچه غفلم میرسد میگویم

شما یک سازمان آب دارید یک سازمان برق دارید وزارت

مبارک هست و تلگراف و تلفن پست و بله روی تو میباید ایشان

نوشته اند پ. ت. یعنی پست و تلگراف و تلفن عیلامت

اختصاری تقلید از ملل دیگر مثل اینکه ما با ۲۵۰۰ سال تاریخ

۷۰۰۰ سال سابقه تمدن، زبان و آداب و رسوم به این

خوبی یک عقده حقارت داریم و باید ادای فرانکی

در بیاریم خوب بنویسند پ. ت. ت. این چیزی را عوض

نمیکنند نامه مردم را بموقع برسانند هر چه میخواهند

بنویسند بنده عرض میکنم اگر این شما توی دستگاهتان

کتر نویسی آب و برق متخصص جداگانه لازم دارد خوب

میشود طرف دو ماه به اینها کار آموزی داد آنکس که عمیاً بد

کتر آب خانه مرا مینویسد کتر برق را هم بنویسد این

صرفه جویی نمیشود؟

**عباس میرزائی** - شما میخواهید برای کارگر کار را

کم کنید.

**فرهاد پور** - هر قدر برای دولت از مخارج زائدش

بزنید واحد کار جدید ایجاد میشود فعالیت جدید یا توسعه

اقتصادی با کارگری بیشتر سروکار دارد من هم مثل شما دلم

بحال بیکاره های مملکت میسوزد اگر امکان فنی داشته باشد

و یک نفر هر دو کتر را بنویسد بهتر است مال شرکت تلفن زامیدانم که

آنها خودشان توی دستگاه هر چند در دشان بخواهد می نویسند

اما ارسال صورت حساب بمنزل، پست شهری جناب مهندس

ستوده خداوند انشاء الله ایشان را سلامت بدارد نمیدانم

مثل اینکه تهران نیستند پست شهریشان اگر خوب انجام وظیفه

کند شما از یک کادری که باید صورت حساب ها را ببرد در

خانه های نیاز می شوید چون رسید نمیگیرند مگر اینکه شما

هم مثل من به پست اعتقاد نداشته باشید این یک مسئله است

در این مورد خیلی صرفه جویی میشود کرد یک کاری را یک روزی

در وزارت دارائی آقای دکتر آموزگار شروع کردند راجعش

را بگویم خودم روز اول با آن موافق نبودم و برای مخالفتم هم دلایل خاصی داشتم یعنی ایشان آمدند دستگاه وصول را کردند پایه‌های بانك، صندوق، صندوقدار، كسر صندوق اختلاس، دزدی صندوق و بك كادر اینجوری را ازین بردند و حقوقها را هم ملاحظه میفرمائید بانك میدهد این در روزهای اول کمی سخت بود بنده بشخصه با آن موافق نبودم و بعد در عمل چون يك راه حل پیدا شد موافقت كردم دستگاهی كه اداره میكردم بك دستگاه كاركری بود بالاخره با آن بانك مربوطه صحبت كردیم كه باینجا بجای چك دفترچه حساب بدهند تا خدای ناکرده بعلت كم شدن دستة چك با بعلت اغفال كردنشان از این سند سوء استفاده علیه صاحب سند نشود این فكر الان جافانده و پول آبونمان و در بافتی های دولت را حتی شهرداری را هم بانكها میگیرند دیگر آن سوء استفاده با سوء تفاهات گذشته با سوء جربانات گذشته وجود ندارد اینرا كه بنده عرض كردم شاید در بادی امر بنظر نماند مشکل بیاید يك عادت خاصی هم ما داریم میدانم شما هم گرفتار كارمندان زیر دستان هستید همه يك خوردند استقلال طلب هستیم هر كسی میخواهد تمام كارش را خودش انجام دهد همه چیزش را خودش داشته باشد يك فكري در باره ما بشكند اگر بنفع نماند بود اجرا كنید مسئله دوم شما در يك شهرستانهایی سازمان آبیورق توأم داريد این علامت آنست كه میشود توأم باشد ولی در يك جاهای دیگر هم سازمان آبدار بد هم سازمان برق داريد بنظر من این يك ولخرجی است توی قزوین ما يك سازمان آب هست يك سازمان برق كارشانرا هم فارسی بگویم با هم توأم است یعنی این برق را باید ببرد سر جاه آب آنها باید كار آب را بكنند يك وسیله نقلیه این دارد يك وسیله نقلیه آن يك اداره ای این اجاره کرده يك اداره ای او دارد يك دستگاه این دارد يك دستگاه آن دارد خوشتر عرض كنم يك باشگاه این دارد يك باشگاه آن مثل اینكه كارمندان آبیورق در شهر قزوین توی يك باشگاه نمی توانند بروند مضافاً باینكه توی شهر ما سازمان عمران دشت قزوین هم دونات باشگاه دارد بخدا اینها پول دور ریختن است آقای دکتر بگانه این مورد خاص را شاید بطور خاص شما از نزدیک احساس کرده اشید من بعنوان ملاحظه منطقی را گفتم محلی را گفتم و قصد و نظری نداشتم باز فردا نگویند كه فرهاد پور فلان حرف را زد.

**اخلاقی** - به باشگاه حق عضویت میدهند و با حق عضویت اداره میشود كارمندان احتیاج به تفریح دارند استقلال وسیله پیشرفت میشود.

**فرهاد پور** - بنده خیال میكنم بنا بفرمایشات شما اگر دور هم باشند سرشان بیشتر گرم میشود قطره قطره جمع گردد وانكهی دریا شود در نظر بلند شما وسعه صدر جناب اخلاقی عزیز كه مثل آهنگ صدا بتان بلند است اینها بی اثر است.

**اخلاقی** - بسكه بیابانگردی كردم میدانم وسیله آسایش در بیابان و شهرهای كوچك برای مجریان طرح لازمست.

**فرهاد پور** - مخالفتی نیست اولاد بیابان اگر شما يك باشگاهی پیدا كنید اسمش مثل است مردم استفاده میكنند مجریان طرح هم استفاده میكنند قصدمن این بود كه یكی داشته باشند حالا شما میفرمائید سه تا مختارید بنده در مقابل این روحیه بلند نظری شاعر عری نمیتوانم بكنم.

**اخلاقی** - حرف حسابی جواب ندارد.

**فرهاد پور** - اختیار دست شماست خرج هم میكنید حسابی بودن حرفتان هم متكى است بقدرت عدد و منطق ۱۸۰ نفر هستید میگویند ماست سیاهست قانون میشود (عده ای از نمایندگان) بنظر نیست این صحبتها را نفرمائید.

**دكتر مهدوی** - ماست سفید است.

**فرهاد پور** - اگر اینطور نیست بفرمائید در يك شهر قزوین برای اداره آب برای اداره عمران برای اداره فلان آقای مهدوی سه تا باشگاه لازم نیست.

**دكتر مهدوی** - بنده چیزی عرض نكردم فقط گفتم ماست سفید است.

**فرهاد پور** - خوشحالم كه يك نفر پیدا شد كه بگوید ماست سفید است.

**عباس میرزائی** - لا بد شما نماینده فعالی بودید برای موكلینتان فعالیت كردید سه تا باشگاه ساختید.

**مهندس روحانی** (وزیر آبیورق) - آدرس این باشگاه كجاست؟

**فرهاد پور** - در قزوین يكبار تشریف بیاورید ملاحظه خواهید فرمود.

در كار برق در يك مسئله همه همفكر هستیم كه در دنیای امروز استفاده از این انرژی برای بالا بردن سطح زندگی برای تولید بیشتر برای پیشرفت صنعت لازم و ضروری است شما هر قدر انرژی برق تولید بكنید بنده بیشتر ممنون میشوم سیاستكزاری میكنم و تجلیل میكنم اما يك مسئله هست از نظر شما شاید فنی باشد از نظر من جنبه اجتماعی و روانی دارد و آن مسئله توزیع برق است ما كادر متخصص برای اینكار كم داریم همه مردم هم انتظار بحق برای استفاده از این نیرو را دارند چون از نظر بادشاه ما آن روستا نشین دور افتاده با فلان میلیونر شهری يكسان است زارع ایرانی این مطلب را میداند باستان مبارك شهر بارخود سر تعظیم فرود میآوردو بحق از دولت شما توقع دارد كه وقتی برقی در منطقه ای آمد و شبكه فشار قوی بود بمنزل آن روستائی هم داده شود (ابلقانی پور) در استان پنجم پیشرفت زیادی کرده) بنده منكر پیشرفتها نیستم شاید در منطقه شما بهمه دهات بر داده باشند جای شكرگزاری است آنچه كه عرض میكنم برای تكمیل اینكار است چون نیروی متخصص كم است بنده معتقدم وزارت آب و برق در درجه اول وظیفه تولید نیرو دارد و شبكه فشار قوی برای رسانیدن نیرو در مرحله دوم اگر امكانات تخصصی و فنی اش نمیرسد كه در تمام روستاها و شهرها مسئله توزیع را

خودش تقبل كند شهرهایی كه جمعیت زیاد دارند و وسائل دارند پشت در شهر برق را بدهند بدست شهرداری با حساب روشن و آن روستائی كه تا بحال برق ندیده و آشنائی بآن ندارد و اگر با اصول علمی سیم كشی نكنید روزی سه تا تلفات میدهد خوش بگردن شماست و برق زده میشود و متضرر میشود اگر ببیند برق کسی را گرفت و كشت این لوٹ مسئولیت كه شما میفرمائید برای روستاها ما برق را بمنطقه میبریم خودشان بده بكنند یا كس دیگری برایشان بكشد بنظر من منطقی نیست و شما بهتر است در اجرای اوامر اكید شاهنشاه مفخم ما این وظیفه را بوجه احسن اول در جاهایی كه نیاز بیشتر دارند انجام بفرمائید شهرهایی نظیر طهران را ولش كنید برای خودش نیرو را بدهید بدست خودش و دیگر هم کسی از خاموشی روشن شدن شما نممكنی میگوید و نه ایرادی و نه اعتراضی دارد و بنده از قدرت شما از انرژی شما از فعالیت و تحرکی كه در شما می بینم بهمین دلیل انتظار اینست كه در سطح روستاها آنجایی كه شبكه برق قوی دارید خانه روستائی زارعی كه زیر

سایه شاهنشاه آریامهر زندگی میكنند آن روستائی لامپ الكتریك داشته باشد (صحیح است - احسنست) يك مطلب كوچولو را هم تذكره عرض میكنم در اجتماع قوانین و حقوق مردم احتراماتی دارد گاهی اوقات پاره ای مأمورین بدون قصد و غرض ولی روی جهالت و عدم اطلاع از قانون كارهایی انجام میدهند كه خلاف قانونست رفتن بداخل خانه مردم و چیدن ساعت كتر ساعت شمار بنظر من يك عمل خلاف قانون است (صحیح است) دوستانه حضورتان عرض میكنم مقرر بفرمائید اگر کرده اند تكرار نكنند اگر هم چنین كاری نكرده اند كه خوب بنده عرضی ندارم. در مورد شركتهای دولتی مخارج تجملی هزینه های زیاد حقوق های گزاف بی بند و باری در حساب و بی حساب و كتابی مطالبی عرض كردم قانون محاسبات عمومی در دست تصویب است در آن قانون آقایان نمایندگان اکثریت عنایت بفرمائید بنده ضابطه ای برای اینكارها بفرقرار بشود.

**مهندس ارفع** - استدعا داریم پیشنهادات و نظریاتی داده شود و این نظرات مفید آقایان با كمال بیطرفی مطالعه میشود هر راهنمایی بفرمائید توجه میشود و هیچ تبعیضی نداریم.

**فرهاد پور** - بنده همیشه بحسن ظن جنابعالی و شخصیت ممتازتان احترام گذاشتم و احترام میگذارم روز بروز هم بر احترام اضافه میشود ولی اگر فراموش نفرموده باشید در مقدمه عرایض عرض كردم روزيكه ما مشغول بودیم هستیم آنها مشغول تصویب قانون محاسبات عمومی در كمیسیون هستند اینرا بفرمائید به بعد موكول بشود تا ما هم فرصت داشته باشیم و برویم نظریاتمان را بدهیم (مهندس ارفع) - این كار خواهد شد (مطلبی كه امروز مبتلا به عموم كارمندان دولت است مسئله قانون استخدام است قانونی كه در روز خودش با هدفهای بسیار عالی با پیش بینی نتایج بسیار درخشان شروع به تدوینش كردند و میخواهند آن نتایج برسند متأسفانه بر اثر عدم توجه بوضع اجتماعی، استخدامی، شرایط كار در وزارتخانه های مختلف بجائی رسیده است كه تك تك آقایان وزراء بصور مختلف دستگاههایشان را از شمول مقررات این قانون خارج میكنند و بنظر من این خود بهترین نمونه بود دلیل است بر نارسائی این قانون در صورتيكه روز اول هدف این بوده آنجناب قانون



استخدام كشوري بياورد كه كارمندان دولت را تحت يك ضابطه و شرايطي عادلانه و بكنواخت در درجات مساوي قرار بدهند. امروز اين قانون با تمام اصلاحیه‌هایی كه براي شكه در دسري ايجاد کرده من توصيه ميكنم كه در اصلاحات قانون از نظراتي كه در طول اين مدت ابراز شده و پيشنهاداتي كه نمايندگان محترم بعنوان مستشاران مجاني خواهند فرمود به زمان امور استخدامي استفاده بكنند لاجهائى براي تمديد دوره آزمائشي بمجلس داده اند بنظر من بدون برده پوشي خيلي لازم بوده كه رسماً ميوشنند كه به كميسيون استخدام اختيار داده شود دفعه گذشته يك كميسيون خاص اختيار داده شده بود ايندفعه به كميسيون استخدام مقررات ماده ۱۴۹ كه كلمه مقررات اصلا در زبان فارسي معنائى غير از اين دارد كه تا بحال در كميسيون استخدام از ماده ۱۴۹ نتيجه گيري كرده بود براي مدت ۳ سال ۵۵ سال تمديد ميشود چه ضرورت دارد همه ما ميدانيم كه اختيارات داده شده بكميسيون خاص قابل تفويض به كميسيون استخدام نبوده است هم ميدانيم كه اين قانون اصلاحاتي در جريان عمل لازم دارد راه حلد را هم ميدانيد كه بايد يك اختياري به كميسيون استخدام مجلس بدهيم جريان خيلي روشن است كه اگر اين دستگاه از خودخواهي و استبداد عقيدده دست بردارد و همانطوري جناب آفای نخست وزير فرمودند و عمل مي كنند كه عاشق افكار خودگشاگان نيستند اين آقا يان هم عاشق افكار خودشان نبايد باشند با اينكه تا بحال چندين ميليون ريال دور ريخته شده است ولي جمع و جورش كنيد ضرر را از هر كجا جلويش را بگيريد منفعت است قانون استخدام قانون حزبي يادسته اي با فضلي يادولتي نيست يك قانوني است براي سر نوشت مستخدمين دولت در سنوات آينده كه آيا بنده زنده باشم يا نباشم اين خيلي مطلب ساده است در اين راه همه عقيدده داريم كه تجربات و سوابق و اطلاعاتمان را در اختيار بگذاريم اگر بگوئيم اشتباه كرديم كه گفتيم آخرين سمت براي اينكه اين بخت آزمائي است هر كسي در طول خدمتش در تحت شرايط زماني استعداد نا اين حد بالا رفتن را داشته است آخرين سمت ميشود بخت آزمائي اگر عمومي من وزير بوده آخرين سمت بنده بالاست و اگر عمومي ديگري وزير نشده در شرايط با اين تراست پس بهتر است در تطبيق بگوئيم بالاترين سمتي كه هر كارمند در طول خدمتش داشته املاك است و يا نوع خدمت در دستگاه دولت در اين قانون بگيفتي كرده اند

جلسه ۱۷۴  
 خوب آمدم ما يك طبقه‌اي در ماده ۳ توجه كرديم من از آقا يان سئوال ميكنم آن روز كه آفای ظلي مدير كل كمرك بوده كمرك با معاونت كدام يك از اين وزارتخانه‌هاي جديد التاسيس قابل مقابله است آن روزي كه ارسالن ميزاد مدير كل بازنشستگي كل كشور بود امروز با ۹۰۰ تومان زندگي مي كند مقامش از كدام يك از اين معاونين كمتر بوده اگر ما درآمد آنيائي كه در گذشته خدمت كردند مدير كل بودند البته در آن تاريخ مشاغل محدود بود عده آنها هم كم است همشان افتخار اين را دارند كه فرمان مبارك شاهانه رازيب سالن منزل خودشان كرده اند و يك پيرمردي در سن ۸۰ سالگي كمال افتخار شرا اينست كه در فلان روز من ۱۰ سال كمركات مملكت را اداره كرده ام امروز ما بايد بفكر آنها باشيم تا فردا كسانيكه بجاي ما مي نشينند بفكر ما باشند (صحيح است) پس از مسئله قانون استخدام كه بگذريم موضوع آموزش و پرورش بنظر من جناب آفای بطعائى خيلي قابل اهميت است بنده از اين لايحه آموزش و پرورش منطقه‌اي براساس توضيحاتي كه شما و خانم پارساي داده ايد انتقاد نميكنم و منتظر نتيجه اش هستم ولي براي تا مين احتياجات آموزشي روستاها هنوز كه هنوز است نگراني دارم براي بنده نوشته اند، ساعت ۱۰/۵ است من با گلوي خسته (نمايندگان - ما كه خسته نشده ايم آماده شنيدن هستيم) اگر به شنيدنش ارزش دارد تشريف داشته باشند اگر ارزش ندارد يواشكي تشريف ببرند ما با ۶۷ نفر هم ميتوانيم صحبت كنيم - بنده از شما براي تا مين آموزش و پرورش روستاها و تا مين آموزش اطفال لازم التعلیم تضمين ميخواهم براي تربيت كادر معلم تضمين ميخواهم حواله كردن به شوراهاي آموزش و پرورش منطقه اي كه هنوز نميدانيم بجه صورت تشكيل مي شود نميدانيم فتاوت نميكنيم اما بعنوان نمونه صورت مشاغل سه نفر از اين حرفه باها كه در شهرستانها متأسفانه يك حالت فتواداليسم شهري بوجود آورده اند ميخوانم شايد انشاء الله در كمته‌هاي آموزش و پرورش منطقه‌اي رعايت اين بشود يك نفر در عين حال كه عضو انجمن شهر است عضو كمته بيكار با بيسوا دي است عضو كميسيون سه درصد فرهنگ بخت معتمد كميسيون مالياتي است در شورا ي آموزش و پرورش شهرستان است عضو انجمن بهداري است داوطلبانه در انجمن خانه مودرسه خدمت اجتماعي ميكنند در اصل مسئوليت كارهاي

شخصي خود را هم دارد اين آفای معاون وزارت بهداري در نحوه اداره كار يك داروخانه بهتر از بنده واقفند كه چه مقدار مسئوليت است و اين شخص فعال كه انشاء الله در مشهد شفا كثر الله امثالهم بشود و نصيب شما بشوند آفای دكتر كفائي بنظر من اگر نيت خير دارد يكي از اين كارها را كامل برسد و باقي را بگذارد براي ديگران آفای ديگري رئيس شير و خورشيد سرخ است مدير عامل جمعيت حمايت زندگان است عضو انجمن شير است عضو انجمن بهداري است عضو شورا ي فرهنگي است، محقق و كارشناس يك خانه محلي است عضو شورا ي كشاورزي است، عضو شورا ي حشمتي ۲۵۰۰ - سه است در انجمن خانه مودرسه شركت دارد، عضو سازمان بيت هسكي منطقه است عضو محترم كمته حزب ايران نويين محرم هست (دكتر كفائي - اگر عضو كمته حزب ميردم بود است ميرديد) بنده عرض كردم از سئوالي كه از دخ بيات كردم - هيچكس بمن تكلف نيت پاكي داشته نفع شخصي ولي در اينجا شما قول ميدهم آفای دكتر اگر عضو حزب ميردم هم بود شما ميگفتيم ما هم يقين داشته باشيد كه درزي ريسايه قدرت شما عضو حزب مردم در هيچ شهستاني با اين مقامات راه ندارد (دكتر كفائي - نمونه اش را در مشهد مي شناسم چندين سمت دارد) اور هم شما ميگوييد جرئت داشته باشيد (دكتر كفائي - صحت جرئت نيست بحالت شهادت) مگر شما خيال ميكنيد بخيليم بنده ميخواهم بشما عرض كنم اين يك نوع انحصار طلبي در شهرها است كه كارهاي اجتماعي بسخت رشد کرده مردم بعد از انقلاب هنوز اسير دست اين افراد هستند (يكي از نمايندگان - مردم رأي داده اند) متأسفانه فرماندارها انتخاب مي كنند و نحوه انتخاب را شما بهتر مي دانيد من در در اميگوم اجازه فرمائيد بيشتر از اين تشكلم هر چه بيشتر ادامه بدهيد دوري از حزب شما و گرايش ب حزب ما بيشتر ميشود ( يكي - از نمايندگان - چنين چيزي نيست ) شما شهر تهران را ديده ايد كه حساب و كتاب ندارد و نميدانيد چه خير است بنا بر اين بنده قفاص قبل از جناب نميكنم اين مطالب را براي توجه شما به تركيب شورا ي آموزش و پرورش منطقه‌اي عرض كردم از قلم نيافتد. نفر سومي هم داريم رئيس شورا ي كشاورزي است رئيس شورا ي



داوری است خزانه‌دار حمایت زندانیان است، خزانه‌دار کمیته پیکار است نایب رئیس شیرخورشید است معتمد در کمیسیون مالیاتی است زبانه لال خیلی از این کارها هم شیرین است (عباس میرزائی - اعضای حزب ایران نوین هم فالاند) و در عضویتشان هم بنظر بنده شکر هست مطلبی درباره وزارت علوم خواستم حضور جناب آقای وزیر علوم عرض کنم بنظر من یکی از عوامل مهاجرت به تهران و حالا شهرهای مراکز استان که خوشبختانه دانشگاه ایجاد شده وعده زیادی را مانع از مهاجرت شد کمبود دانشگاه در استانها و شهرهای بزرگ است برای بخش خصوصی تأسیس این نوع مؤسسات حتی در سطح تکنولوژی در شهرستانها مشکل است چه بسا که بخش خصوصی در تهران نتواند در سطح تکنولوژیها سرمایه گذاری کند از کادر تحصیل کرده در شئون مختلف از زمان اضافی استفاده کند حتی از اساتید باز نشده استفاده کنند و کمکی بتوسعه وزارت علوم کرده باشند ولی در شهرستانها این کار مشکل است برای اینکه در آنجا یک سرمایه گذار خصوصی نمیتواند یک استاد تمام وقت را حقوق بدهد و نمیتواند از او استفاده کند و این درست بر عهده وزارت علوم است بنده می خواستم خواهش کنم اگر باین قسمت توجه و عنایتی بفرمائید شهرهای ماسد تکنولوژی و مؤسسات آموزش حرفه‌ای احتیاج فوق العاده دارند منافع فوق العاده دارد و این کار تحصیل در محل تعداد زیادی از اینها را در خود محل بخدمت میگیرد و مانع مهاجرت به شهرهای بزرگ و سر بار شدن بدستگاه دولت میشود مطلبی را که در زمینه آموزش و پرورش فراموش کردم عرض کنم تطبیق نظام آموزشی جدید شما با قانون استخدامی آقای رئیس سازمان امور استخدامی است بعنوان نمونه عرض میکنم مقررات بسیار وسیع این سازمان که بنظر من بی جهت خودش را آلوده این کار کرده حکم می کند که یک نامعمران روستائی باید تصدیق ۹ داشته باشد و بهمین جهت آقای کشاورزبان خوب میدانید افرادی که سالهاست در روستاها نامه رسانی کرده اند و وظیفه شان را خیلی خوب میدانند ولی تصدیق ۹ ندارند باید از این کار دست برداشته بیرون بروند و یک طبقه که تصدیق ۹ دارد بیایند جایشان این مشکلی است که سازمان امور استخدامی برای شما و وزارتخانه

پست و تلگراف بوجود آورده حالا بنده عرض میکنم وزارت پست و تلگراف بدلیل عدم شناخت موضعی مسئولیت این تصمیم را قبول کرده بنده خیلی خوشحالم از این مسافرتی که هیئت دولت بشهرستانها میکنند گرچه با هواپیما میروند آنجا هم سوار اتومبیلهای آخرین سیستم میشوند و در بهترین جاهای محل پذیرائی میشوند ولی بهر حال یک چیزی میبینند و مملکتشان را می شناسند یک وزیر پست و تلگرافی میتواند این مطلب را قبول کند وقتی که توی اداره اش نشسته است پست میزش پیش را با توتون معطر میکشد از روی نقشه این ده را با آن ده فاصله اش را حساب میکند دره، رودخانه، برف زمستان، ترس بیابان، آفتاب تابستان و گرگ بیابان را نمی بیند بعد رویه آنها را که میگویند نامدرسین باید سیکل ۹ داشته باشد می بگذرد (صادق) - بفرمائید سیکل اول) بله کلاس ۹ با سیکل اول خوب شد که از رشته تخصصی شما هم ما استفاده کردیم عرض شود مردی که ده سال است این کار را کرده زمستان نامه را توی برف برده از ترس بیابان و گرگ توی بستو بغل زن و بچه اش قاچم نشده این را باستاد قانون جدید بگذاریم کنار بعد تصدیق ۹ را بیاوریم عیب اینجای قضیه است که ده سال دیگر با نظام آموزشی جدیدی تصدیق ۹ دیگر نداریم ۵ سال ابتدائی داریم سه سال راهنمایی داریم و چهار سال باصلاح برای دیپلم گرفتن نهایت ۱۲ سال را دیدیم با دیپلم میخواند ولی این وسط آخر سه سال راهنمایی میشود دو متوسطه یا هشتم مدرکش هم مدرک سیکل نمیدهند میگویند دوره راهنمایی ۶ ابتدائی هم دیگر نداریم ۵ ابتدائی داریم خوب این مطلب را از همین حالا خانم وزیر آموزش و پرورش با آقای رئیس سازمان استخدامی توی هیئت دولت که بغل دست هم نشسته اند حل کنند که آئینده چه میشود؟ تکلیف چیست؟ باز ده سال دیگر یک سازمان امور استخدامی یک مقررات جدید بعد بگویند نه حالا بستجی ۸ داشته باشد از امروز یک کیفیتی برای حل مشکلات باید در نظر گرفت و مشکلات را با آن کیفیت حل کنیم. آقای دکتر رفعت یادداشتی مرقوم فرموده اند که آیارؤسای دانشکده ها باید تمام وقت باشند؟ البته بنده خیلی معذرت میخواهم که این مسئله را عنوان نکردم بدلیل اینکه اولاً اطلاع نداشتم ثانیاً در رشته تخصص من نیست و با سابقه و اطلاعاتی که در دانشگاه دارند برای بنده یادداشت دادند و من فرائض کرده

انشاء الله جواب قانع کنندای با ایشان داده خواهد شد. با شخصاً علت را توضیح میفرماید مسئله بسیار مهم در زندگی اجتماعی امروز ما آموزش و پرورش بمعنای اسم است این دیگر در رشته منحصر وظیفه وزارت آموزش و پرورش نیست ما باید از امروز بدانیم که جوانها بمان را، نسل آینده را کسانی که در آینده باستی در این مملکت مسئولیتها بی دوش بکشند چطور تربیت کنیم چه آرمانهایی با آنها تزریق کنیم فکر اینها را بجه مسائل متوجه کنیم و دستگاههای اطلاعات، تلویزیون فرهنگ و هنر، آموزش و پرورش مطبوعات ما چه وظیفه‌ای دارند که در این زمینه انجام میدهند بطور قطع و یقین ما با خصیصه ذاتی نژاد ایرانی این استعداد را داریم که جوانها بمان را همانطوریکه نیاکانشان بودند پرورش دهیم و تربیت کنیم جوان ایرانی برای وطنش بخاطر خدمت به میهنش خدمت بکنند نه بخاطر پولیکه باو میدهند و اینرا توی ترازوی بگذارند که در اینکه دنیا چقدر پول باو میدهند اینجا یک روحیه ملی میخواهد تعارف هم ندارد مادام که با وسائل تبلیغاتی صبح تا غروب توی مغز بچه‌ها ایمان میگویم پول، پول، پول، و از معنا و معنویت خبری نیست نمی شود انتظار این را داشت که نسل آینده نسلی باشد فداکار نسلی باشد خدمتگزار نسلی باشد همین پرست نسلی باشد از خود گذشته بنظر من با آهنگ انقلاب اجتماعی ایران موسیقی ترانه، فیلم، کتاب، رادیو، تلویزیون روزنامه مجله همه با هم باید هماهنگی باید ملت ایران را بسیمت یک تربیت صحیح رهبری کنند همانقدر که یک موسیقی نا امیدکننده در روحیه جوان مؤثر است همانقدر یک مارش نظامی غرور ملی و تحریک ایجاد میکند و همان اندازه یک برنامه رادیویی نامطلوب بانک تهران پول منفجر میکند یا توی روغن نباتی سکه طلا میگذاریم و همه چیز پول است مضر است بنده از برنامه‌های تلویزیون و بعضی نوشته‌های روزنامه‌های ایران نوین خوشم میاید

**عباس میرزائی** - همه اش خوب است.

**فرهاد پور** - بنظر جناب عالی همه اش خوب است.

ولی من از بعضی جاهاش خوشم میاید

**عباس میرزائی** - شما از روغن نباتی اسم آوردید

ولی از موسیقی اسم نبردید.

**فرهاد پور** - همین‌ها که چکار کنیم فرار کنیم.

**عباس میرزائی** - توی کارگاهها اینها را میگذارند.

**فرهاد پور** : دیدید که بلد بودید.

**عباس میرزائی** - الان گفتید بادم آمد.

**فرهاد پور** - علت اینکه از تلویزیون و بعضی جاهای

روزنامه ندای ایران نوین خوشم میاید این است که آنها یک

کمی بوی حرف ما اقلیتها را میدهد توی تلویزیون است که

بالاخره در مورد سازمان گذشت آخرش سؤال میکنند که بما

بگوئید این سه توما نیهارا کی میخورد یک عضو اقلیت هم همین

رامی برسد که آقا این گوشت چرا گران است؟ تفاوتش را کی

میخورد تلویزیون هم میگوید این سه تومان را کی میخورد

خوب من خوشم میاید باید جوابهایی داده اند ولی رویشان

نشده منتشر کنند توی خود روزنامه ایران نوین که من یک دسته

داشتم ولی فکر کردم اگر همداش را بیاورم اینجا رفیق ما جناب

آقای فروتن میگوید اگر گاهی اوقات ما چیزی توی آن

بنویسیم شما ها آن استناد میکنند بعد بما میگوئید

ننویسید.

**عباس میرزائی** - چنین چیزی نمی گویند.

**فرهاد پور** - خوب بنویسید من هم می خوانم و خیلی

خوشم میاید در مورد نظارت بر تبلیغات تجاری نظارت بر

کیفیت کلاما له بسیار مستدلی روزنامه ایران نوین دارد

خدمت جناب آقای دکتر هما یونفر تقدیم میکنم همه خواندند باید

دیگر من نمی خوانم ایشان هم حتماً خوانده اند بکمر تپدیگر

بخوانند بمطالبش که عین عرایض بنده است ترتیب اثر خواهند

داد چون بنده انتظار دارم با وجود شخصیت دوست داشتنی

مثل جناب منصور با وجود فردی مثل خود جناب عالی با وجود

شخصیتی مثل فرهاد نیکو خواه که البته از جبهه‌های مشخص

دوران گذشته حزب مردم و بسیار خوب انجام وظیفه میکنند ما

انتظار نتایج بسیار بیشتر و بهتری از برنامه‌های رادیو ایران داریم

بخصوص روی رادیو تکیه میکنم چون طول موج رادیو سراسر

مملکت میروند بر اثر رشد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی

خوشبختانه تمام خانواده‌های روستائی بکسر رادیو تراز بستوری

دارند و از راه گوش خیلی خوب می شود آنها را تربیت کرد اما

با کله از این مدار بسته تلویزیون داریم که چون منحصر

بخانه‌ها نیک رفته‌ها نیست امروز تا هر جا که امواج تلویزیون

را بگیرد بخصوص دعوت شهرداری که آقای روحانی همه جا را برق کشیده است خوب تلویزیون را بگیرند اگر دنیای اروپا و آمریکا بعد از عصر صنعتی و رسیدن بعداعلائی سرمایه داری از یک عکس عملیاتی بصورت حالت فساد در جوانی متضررند و باین نتیجه رسیده اند چه اصراری است که ما فالان دختر روستائی را توی شهریار با بر نامه شوی تلویزیون مینی ژوب پیش نشان بدهیم ما چرا اینها را نشان میدهم بسمت آنچه جوانان دنیا گرفتار شده اند انشاء الله ما این سیر تکمیلی را بکنیم بعد از اینکه از همه جهت مثل آنجا شدیم خوب این یک نکته هم بشود ولی پیش، پیش هلدادن و عجله کردن چرا چه اصرار است در مملکتمان هنوز خوشبختانه اکثریت مطلق ملت صفات خاصی دارند و وطن پرست هستند شاهدوست هستند مذهب دارند عفت دارند و باینها احترام میگذارند و دلشان میخواهد که اینها حفظ بشود نبیستی خودمان بادست خودمان اینها را با دیدن منظری که خوب برای بچه های خانواده های که فرنگستان رفتند تازگی ندارد ولی برای روستائین با خانواده کارگر اصولاً مضرت چرا چنین برنامه های نشان میدهند امیدوارم در این زمینه این عریض من کافی باشد در مسئله بهداشت و بهداری و درمان دردیست که همه داریم وظیفه است که وزارت بهداری بایست به نحو احسن انجام بدهد باین آقای دکتر مرشد عرض میکنم درمان در روستاها نوعی عمل بهداشتی است شما یک بیماری و اگر دار را وقتی در روستا جلوگیری کردید از توسعه بیماری جلوگیری کرده اید اما از طرف عمل ما از این وزارتخانه یک آمبولانس خواستیم برای درمان نگاه تا کستان شش ماه است چهل هزار تومان پول داده اند که آمبولانس بخرند آمبولانس پیدانی شود بنده آقای وزیر اقتصاد تشریف ندارند تا از حضورشان استدعا کنم این نوع حمایت صنعتی را با کیفیتی بفرمایند که نیاز مند بهیای عمومی مملکت تحت تأثیر منفعت جوئی قرار نگیرد کارخانه در مقابل یک تعداد انومیل کمی سازد با موثرتی کند خوب مملکت با آمبولانس هم احتیاج دارد آنرا هم بسازد ما ورودش را فدن میکنیم کارخانه هم نمی سازد پولش را داده ایم ولی آمبولانس نداریم است مسئله ای که لازم بود عرض کنم آقای دکتر بگانه لازم است توجه بفرمایید مسئله بیمه شخص ثالث است این بیمه شخص ثالث که بحکم قانون ما هم وظیفه ای و هم حق بیمه ای تعیین کرده ایم این اگر صرف نکند بخش

خصوصی جلو نمیرود اگر صرف بکنید موجب غارتگری بخش خصوصی است این یک وظیفه است تهر راه علاج بیمه الزامی انومیاتیک در شرکت بیمه ایران است تا خدمات دولتی خدمات بیمارستانهای دولتی خدمات پلیس خدمات پلیس راه خدمات شیروخورشید سرخ بحساب منفعت بیمه های خصوصی برود بحث مفصلی دارد و به رئیس شرکت بیمه نوشته ام توجه دولت را هم باین نکته جلب میکنم درباره وزارت کرموق اصلاح قانون سهیم کردن کارگران صحبت کردیم بحث دیگری نمیکند امیدوار هستم که با تغییراتی که در این وزارتخانه شده ما مورد نشان در شهرستانها احساس این تغییر را بکنند بعد از این بجای انجام وظیفه حزبی وظیفه اداری و مملکتی انجام بدهند از شهر تهران و مشکلاتش و مهندسی مشاورش عرض زیادی نمیکند یک مطلب دارم وقتی در سطح کلی مملکت شاهنشاه ما برای ما امنیت و آرامش و آسایش فراهم کرده اند چه دلیلی دارد که دستگاهها با تصمیمات خلق الساعه غلط که یک نمونهای را دیدید آرامش زندگی فردی افراد را بهم میزند امشب میگویند اینجا بیرون محدوده است چار و صاحب هیچ چیز نیست فردا میگویند داخل محدوده است دوتا صفر می رود جلوی دارائش مسئول اینکار کیست یک کاری واقعاً نظیر بلوکهاییکه توی جاده شمیران گذاشته بودند جاده سرازیر را در زمستان برفی ما بیچش کرده بودند بنظر من افراد طرح بدهند اما یک دستگاه عاقلی باشد که این طرحها را بررسی بکنند قبول بکنند و بپذیرد شما ملاحظه کنید تفاوت را ببینید تفاوتی که همدان آن معتقدیم از شش هزار کیلومتر فاصله شاه مملکت درد مردم را تشخیص میدهد با دو سطر تلگراف و دستور مشکلی باین عظمت را که شش روز تمام دولت و بیست و شش وزیر و هیئت منتخب انجمن شهر حزب ایران نوین و شهردار فعال و جدی توانستند حل کنند حل میفرمایند (احسنت) چه اصرار است که ما اول تصمیم غلط بگیریم و مردم را ناراحت بکنیم بعد خدا عمر بدهد به هویدا که لجاج ندارد عاشق عقاید خودش نیست و این شهامت را دارد که اشتباه را بگوید اشتباه و برگرداند چون واقعاً گفتن این کلمه شهامت میخواهد (عباس میرزائی - دولت حزبی است) بلای مسئله ای که در کمیسیون بودجه مطرح بود مسئله اداره اوقاف بود همکاران محترم اطلاع دارند که بنده با کمک از بودجه

عمومی با اوقاف مخالف بودم مدیر کل اوقاف رئیس اوقاف آمد توضیحاتی داد و حرف مرا تأیید کرد و این عین عبارت نیست که گفت اگر انامی دولت با موقوفه نوجده داشته باشند هیچگاه بکمک دولت نیاز نخواهیم داشت ولی برای حفظ مال وقف بیستی سی سال در دادگستری دوید مملکت در دست تحول است نوسازی است شهرها صنعتی میشود حفظ زمینهای موقوفه زمینهای خالصه مسیلهای شهرداری برای پیشرفت نقشه نوسازی و برای توسعه صنعتی مملکت در تمام شهرها از اهم واجبات است بنده اگر آقایان خاطرشان باشد جنسی پیش رویک نطق قبل از دستور ارجاع یک زمین موقوفه در قزوین عریاضی کردم در آن روز عرض کردم موقوفه را با کمک ما مورین دولت ثبت اسناد دادگستری میخورند این مطلب دروغ نبود اما بوضع زمانی ثبت صادق نبود ثبت اسناد ما دوران مختلفی را گذرانده اگر شخصیت های صالحی در رأس آن بوده اند کار درست شده اگر شخصیت های نام صالح بودند کار حراب شده است خوشبختانه امروز یک شخصیت صالح سرکار است بمجرد اینکه بنده این حرف را زدم و ساو تلگراف کردم جلوی یک کار غلط را گرفت و از خوردن و تجاوز یک ملک موقوفه که ۸۰ میلیون تومان قیمتش است آقای عباس میرزائی این رقمها برای من و شما سرسام آور است جلوگیری شد اما همین توضیحی را که من میدهم بدنیت خان صوفی توجه داشته باشند بر اثر عرض من و توجه مخصوص رئیس دولت توجه رئیس ثبت بخصوص سحت عمل و درستی رئیس اوقاف شهر قزوین و رئیس ثبت شهر قزوین ما مورین دولت از اینکار جلوگیری کردند اما باید در موارد عده اینکار را کرد اما این زمین را که تا بر بروز دیگری داشت میخورد و شهردار قزوین ساکت بود و صدایش در میآید مدعی وقف شده و بعد در دوره نوسازی زمینی را که بازرسی شاهنشاهی وقتی می رود رسیدگی میکند میگوید این زمین را در اختیار وزارت آبادانی و مسکن بگذارید فضای سبز درست کند و میدانگاهی درست کند مرا احتیاج شهری که بود انجام بدهد و یک مقدار خانه های سازمانی هم درست کند و اجاره بدهند بکارمندان دولت و مردمیکه خانه ندارند و از این راه یک مقداری هم برای موقوفه غایبانی درست شود و نیت واقف هم انجام شود این شهردار شما در یک چنین

عصری زمین را می رود با اجازه نامه های غیر رسمی متری ۵ ریال در سال اجاره میدهد وزیر یک ماده اش می نویسد، توجه داشته باشید اجاره یکساله است ولی نوشته است حق ایجاد اعیانی داری حق دیوار کشی داری حق داری روی ساختمانهایی که میکی سند بگیري و حتی حق تفکیک بقطعات ۲۰۰ متری و واگذاری باشخص دارید شما کجای دنیا چنین عملی دیده اید (فولادوند - در قزوین) (خنده نمایندگان) من تمیذانستم شما قزوین تشریف آورده اید و آن را دیده اید بله قصه زمین خواری و مسیل خواری است مسئله دوم اینرا جناب آقای دکتر بگانه باید بدانید در میدان ورودی شهر قزوین میدانی جدیداً ساخته شده بنام میدان ولیعهد رودخانه ای را از دو کیلومتر بالاتر مسیرش را عوض کرده اند برداند از زیر بل عبور داده اند و امتداد رودخانه دست چپ جاده وجود دارد ولی جنصد هزار متر زمین دست راست دیگر مسیل نیست شهردار شما خانم صوفی خواش برده این را میگویند حفظ مسیل و آنرا میگویند معارضه با زمین وقفی و عمل خلاف نوسازی مملکت یک مطلبی داشتم خیلی دلم میخواست آقای وزیر کشاورزی و وزیر اصلاحات ارضی تشریف داشتند من دوتا کتاب دیدم از انتشارات سازمان عمران قزوین و این یکی از انتشارات وزارت اصلاحات ارضی یک بیان از فعالیت سازمان عمران قزوین در این کتاب باین کفتی است و یک بیان از شرکت های زراعی است بخصوص شرکت سهامی زراعی آریا مهر نوی این کتابچه سازمان عمران دشت قزوین ۱۴۳۰ مهندس و تکسین و کارمند دارد ۱۷ میلیون تومان حقوق در سال میدهند ۴۵ کارشناس دارد و در سال ۱۰۵ دهکده البته آمار مال سال ۴۷ است مشمول کارشان قرار داده اند ۷۷۴۶ خانوار ۱۰۴۵۶ هکتار ۱۹۰ میلیون تومان خرج از سال ۴۲ تا امسال در آمد هر خانوار ۱۸۵۰۰ ولی بیان شرکت سهامی زراعی آریا مهر ۲۰۰۰ سهم هزار ریالی دارد دو میلیون ریال سرمایه هشتاد خانوار شریک ۶۰۰ هکتار زیر کشت گندم و جو و چغندر برده هر شریکی ۶۴ هزار ریال در آمد دارد این دو تا رقم است بنده تقدیم میکنم حضورتن دوتا وزارت خانه است با وزیر اصلاحات ارضی وزیر کشاورزی یاد بدهد حضور باین رقم رسیده با سازمان دشت قزوین را از این جور پول دور ریختن ها مانع شود البته

وزیر کشاورزی جدید نصیری و گناهی در این راه ندارد و تازه آمده است و بنده فکر میکنم اگر باین سرمایه در آن دشت شرکتهای زراعی بوجود بیایم نتیجه اش بر اساس این توضیح که مورد حمایت شاهنشاه آریامهر است بر مراتب بهتر از آن خواهد بود که برای ۱۰۵ دهکده ۱۳۳۰ مهندس و تکسین و کارمند ایرانی داشته باشیم (صحیح است) دیر وقت است خسته شدید جان کلام منم مانده خیلی معذرت میخواهم بحث کشاورزی بود و با این سازمان عمران فزونی که قرار بود کالیفر نیای ایران شود و احتیاجات شهرتیران را بدهد تکه های از روزنامه اطلاعات دست من است نوشته واردات اسفنج تازه این از آمار دولتی است از هر سه کیلو خرچنگ در ۵ ماه اول سال جاری و ۷۹۱ کیلو حلزون و در این مدت از آمریکا و انگلستان گل کلم بارزش ۲۸۴ هزار ریال ۶۱۵۳ کیلو اسفنج تازه و سبزیجات تازه بارزش ۳۸۰ هزار ریال ۳۰۰ کیلو نخود لوبیای تازه بارزش فلاں و ملاحظه میفرمائید حالا دنباله هم دارد و بنده نمیخوانم مملکت کشاورزی ۸ نوع سازمان عمران چند تابع وزارت کشاورزی نزدیک تهران این هم رقم واردات از آمار وزارت دلاوائی نقل از روزنامه اطلاعات (مهندس فروهر - اینها برای يك عده کارمندان خارجی شرکت نفت است) برای هر کاری میشود يك محملی تراشید من فکر میکنم کارمندان شرکت نفت ترجیح بدهند گل کلم تازه ایرانی بخورند (يك نفر از نمایندگان - شاید دروغ نوشته باشند) روزنامه اطلاعات است من چنین تهمتی نمیزنم بعد از همه توضیحات در باره کسر کار و دو باره کار بهای دولت ضمن قبول کارهایی که انجام داده است که انشاء الله عرایض بیفرضانه من آنجا که منطبق با واقعیت و دلیل و حقیقت است و انشاء الله من اشتباه نکرده باشم من انتظار دارم مورد توجه اولیای محترم دولت قرار بگیرد شاید از این راه من هم خدمتی و وظیفهای بوظنم انجام داده باشم ولی مسئله ای که بین ما و شما یعنی بین ما اعضای حزب مردم و شما نمایندگان منتخب حزب ایران نوین حزب اکثریت مطرح است اینست که در پرتو عنايت شاهانه وقتی سدها و موانع از جلوی ملت ایران برداشته شد روابط اجتماعی بر اساس صحیحی قرار گرفت شرایط قرون وسطائی از بین رفت چون اصل آزادی و دموکراسی واقعی

و صحیح مورد پسند و حمایت رهبر عالمقدر ملت ایران بوده است و این آزادی و دموکراسی جز از راه صحیح و منطقی آن که همه دنیای آزاد و مترقی از آن راه به نتیجه رسیدند یعنی تخریب محال است تحقق پیدا کند یعنی محال است که مردم برای مداخله در حکومت و سر نوشت خودشان که نظر عالی شهربار ما است بتوانند از طریق تشکل در احزاب قانونی تأثیر بکنند و هر فردی که نمیتواند باید حرف فردی بزند به جهت مناسبت در دوران آرامش و امنیت این آزادی بکلت ایران داده شد که فرم حزبی بخودش بگیرد و در جناحهای حزبی فعالیت کند نتیجه صحیح این برنامه طوری است که امروز برخلاف گذشته نا آنجا که من می بینم استقبال و گرایش فوق العاده ای نسبت به حزب مردم می بینم البته بنده عضو حزب مردم هستم و این استقبال را نسبت به حزب مردم می بینم و شما هم لابد می بینید برای اینکه در اشتهای نباشید من بعنوان يك فردی که اگر تخصص علمی زیاد ندارد لاف تخصص تجربی دارد از نظر جامعه شناسی میگویم این شدت گرایش نسبت به حزب مردم در عین حال که بنفع ماست من این را يك گرایش طبیعی احساس نمیکم من این را عکس العمل گریز از يك دستگاهی دوری از يك دستگاهی و نزدیکی بیک دستگاه دیگری که او را مخالف میدانند میدانم چون مادر اجتماع احزاب مبارز و مخالفی هستیم در صورتیکه ما تحت تعلیمات رهبر عالمقدر ایران در نبرد اجتماعی و صحنه اجتماع سابقه داریم برای متشکل کردن مردم و تربیت سیاسی دادن به مردمیکه بحق باید در سیاست مداخله کنند بنده سال گذشته در بودجه عرض کردم وقتی رئیس دولت شما بانهايت در ايت بر عایت بشرفت دموکراسی و فعالیت احزاب خودش را در سطح رئیس دولت نگاهداشت در عین حال که عضو حزب ایران نوین است بهمین دلیل صحیح نیست که اداره حزب با دستگاه اجرائی دولت توأم باشد و باید دبیر کل حزب از دستگاه اجرائی جدا باشد و خوشبختانه عنايت فرمودید در ناستان گذشته در کنگره حزب ایران نوین این اصل را هم قبول کردید و من خیلی خوشحال شدم چون من بهیچ وجه خوشم نمی آید که يك حزبی خدای نکرده اساس و پایه اش بر اثر اشتباه از من بیاید من احزاب را برای مملکت وجودشان را لازم میدانم (عباس میرزائی - من میدانم که تبلیغات حزبی هم در بودجه

میشود کرد) شما آقای عباس میرزائی بنده را خوب می شناسید تبلیغات که سهل است نبرد حزبی هم کرده ام آن روزیکه توی حیا با کبهای تهران جرئت میخواست جلوی جناحهای تندرو و منحرف ایستادگی کرد من کردم آقای فراچورتو کجا هستند اگر بودند میگفتند کجا ایستاده اند از ایشان بی رسید (دکتر رهوردی - مردم ایران میدانند) بله ملت ایران میدانند و قیافه هارا هم می شناسند فقط اغلب حضرت هما یونی بودند که معنی هارا بخشیدند اینهم عنايت و عطوفت ملوکانه است که فرمودند از يك تاریخی به قبل را بخشیدم بشرطی که از این به بعد خدمتگذار مملکت باشید خوشبختانه الان عده خیلی کثیری از این عنايت شاهانه استفاده میکنند و بنده واقعا این را از این نظر عرض کردم شما که این اصل را قبول کردید و دبیر کل حزب را از دستگاه اجرائی جدا کردید این فکر را به آبهائی که در شهرستانها میخواهند شما را ول کنند چون من گفتم کارمند دولت عضو خوبی برای شما نمیشود و کنارش هم که بگذارید ول نمیکند برای اینکه میخواهد در بنه قدرت حزب اکثریت کار خودش را بکند و اینهاست که مردم را از شما متزجر و بسوی ما روانه میکند (بانو جیبائی - چنین چیزی نیست) اگر این جور نبود هشت بار بزورین میفرستادید که چرا مردم از حزب روگردان شده اند بنده نصیحت میکنم اگر قبول دارید که خوب و گردید و بد مطالعه کنید و وضع را اصلاح کنید برای اینکه تربیت حزبی در این مملکت باید عمیق و ریشه دار باشد چه حزب ما و چه حزب بان ایرانیست بایستی اصیل عمل کنیم توی دل مردم برویم با مردم کار کنیم مردمی که در اصل راهی جز راه شاهنشاه و برنامه ای جز برنامه شاهنشاه ندارند مسابقه ما هم در پر کردن کسر کارهاست و گرنه برنامه مملکت را کسی دیگری ریخته است خداوند سایه شاهنشاه را از سر ما کم نکند خوشبختانه در سایه او خیلی زحمتها از دوش بنده و شما برداشته شده اصول مطالعه شده ، پیاده شده نقشه های غلط نبوده که بگوئیم ما غلط رفتیم بر میگردیم اصول منطقی مسلم نتایجش هم مسلم است ما هم باید این راه را برویم منم عرایض خودم را در جهت حسن استفاده شما می کنم آنچهائی که صحیح نیست استفاده نکنید آنهائی که صحیح است استفاده بفرمائید بهر حال بنده معتقدیم که کارمند دولت و عضو اصناف یعنی نخادیهائی که نامنافع صنفی دور هم جمع می شوند اعضای صمیمی و صدیقی برای احزاب در گذشته و حال و آینده

نخواهند بود برای شما هم نخواهند بود روزی که دولت دست ما باشد برای ما هم نخواهند بود اصناف منقعت صنفی دارند با دولت هم سروکار دارند دولت هم باید منافع آنها را حفظ کند اما اسم اینها را می خواهید بگذارید حزب خودتان میدانید درست نیست در خانه نمیدانم بگذارید بگر این صفحه ای که خط برداشته و هر سال تکرار میشود با تغییر تاریخ باز تکرار میکنم اوله کشی آب ناکستان از سال ۴۵ شروع شد سال ۴۶ تمام نشد سال ۴۷ تمام نشد بهمن نونشند در ۴۴ آن تمام میشود هنوز تمام شده و این درگرو چهل هزار تومان اعتبار است حال من نمیدانم اگر آقای مهندس روحانی مجتبی بفرمائید و به سازمان آب و برق در آنجا مثل سایرین دستوری بدهند بسیار ممنون خواهم شد این مسأله آب خوردن شهر است يك الکترو موتور بگذارند و موتور را در قبالتش بگذارند شاید اینکار حل بشود والا هشت ماه است هشت صد هزار تومان سرمایه گذاری برای چهل هزار تومان پول معطل مانده پول را از سازمان برنامه تقاضا کرده اند کسی نیست جوابی بدهد بنده معتقدم این همه شهر در ایران اوله کشی شده این همه کار بهداشتی انجام شده با این توسعه و رشد اقتصادی مردم ناکستان گناهی ندارند که نماینده آنها عضو اقلیت است (یک نفر از نمایندگان - مهندس مشاور وجود ندارد خیالتان راحت باشد) آقای استاندار تهران که يك میلیون و پانصد هزار تومان پول گرفته برای استان مرکزی و سالی صد و سی هزار کیلو متر راه با اتومبیلشان طی و فعالیت میکنند ایشان افلا میتوانند برای آب يك شهری ۴۰ هزار تومان بدهند و آب يك شهری را تأمین نکنند (یک نفر از نمایندگان - ما با تزد سال است آب نداریم) چرا مردم ناکستان باید بی آبی بکشند چون نماینده آنها اسمش فرهاد پور است این کار صحیح است؟ (فضائی - در قصر شیرین هم بجای آب گل بد خورد مردم میدهند) (محمد اسدی - جلوی فعالیت های عمرانی را همین سازمان برنامه همین مشاورین نیم بندشان گرفته اند هیچ کار نمیشود) کار خوشمزده تر اینکه امر فرمودند کار مردم بمردم واگذار شود انجمن های شهر در جهت این فکر انتخاب شدند استاندار استان مرکزی در لباس استانداری مورد کمال احترام من است فرمان اغلب حضرت در اداری بنده باو احترام فوق العاده میگذارم ولی شرطش این است که بنام يك نماینده شایه طرف عمل کند اما بعنوان رئیس کمیته مرکزی استان تهران حزب ایران



وین آقا اوجق دارد شهردار شهر ورامین را ببرد دموند و مال دماوند را ببرد ساوه بعد میگوید اگر انجمن شهر نمیشناسد توهم مسلکی، من می شناسم، معرفی میکنند اما این انجمن شهر تا کستان اعضایش خوشبختانه با متأسفانه عضو حزب مردم هستند شهردار انتخاب کردند معرفی کردند چرا حکمش را نمیده چرا با انجمن میگویند ما بایستی برای شما شهردار معرفی بکنیم وزارت کشور آقایان نمیخواهد دست از عادت دوره حاکمیش بردارد آنوقت ها مأمورین را می گفتند والی و حاکم، نایب الحکومه وزارت کشور هر چند روز را پیش عرض شود ووزرائی که می آیند مردم خوبی باشند و دموکرات باشند این مأمورین دست از نوع حکومتشان بر نمیدارند توی شهرستانها با مردم هنوز در عصری که بایستی انقلاب اداری اجراء شود مثل حاکم و محکوم رفتار می کنند اینها نمیخواهند بگوشتان فرو برود که در عصر انقلاب عمل نیا دورهای که آقایان نایب الحکومه یا حاکم بودند فرقی کند امروزی رئیس دولت میگوید آقا فرماندار یا بدبر و دجلو مردم گذشت آن موقع که مردم دست بسینه فرماندار می ایستادند (بگفتار نمایندگان - همین آقای هوبد در وزارت کشور جلوما، با استاندارها و فرماندارها گفت ما حاکم نمیخواهیم خدمتگذار میخواستیم ولی گوش نمیکند) بده هم فرمایش ایشان را دارم تکرار میکنم آخر خیلی چیزها را ما از ایشان یاد گرفتیم و اینجا تحویل میدهیم وزارت کشور یک وظیفه دارد در کار انقلاب اجتماعی ایران در پائین ترین سطح اجتماع ایران انتخاب کدخداست این اولین کار دموکراسی است که مردم یک ده برای انتخاب کدخدای خودشان بدانند چه جور رای میدهند الان نزدیک ۸ سال است از بیمن سال ۴۱ تا حالا یک قانون کدخدائی این وزارتخانه نتوانست بیاورد (خانم صوفی - میاوریم) میاوریم مال آبنده است انشاءالله چون مثل اینکه خانمها از آقایان جدی تر هستند ولی در ۸ سال گذشته بطور شد هنوز کدخداها همانهایی هستند که آن مالکین زورگو، آن فئودالها آقای عباس میرزائی همان فئودالها انتخاب کرده بودند مباشرها و نوکرها فئودالها یک حکم از حاکم در جیششان است و هنوز هم هستند من بکبار گفتم قدرت کدخدا درده از مجموع رئیس دولت با ۲۶ عضو کابینه اش بیشتر است شهادت میدهد شناسنامه میدهد یک مرده ای را اگر کشته باشند میتوان بگوید مرده اگر مرده

زیاد تندر روی نمیکند ولی متأسفانه (مهندس فروهر - آنچه میدانیم این است که ملت ایران بیشتر با گرایش دارند) خدا کند آقای فروهر اینطور باشند من دلم میخواهد که ملت ایران در سه حزب ایران متشکل بشوند خدا کند ۹۵٪ اش در حزب شما متشکل شود اما متأسفانه اینطور نیست اگر لجاج دارید بفرمائید هست بنده عرض نمیکنم این را برای عبرت عرض کردم چون بنده گرایش و استقبالی را که در شهرستانها نیست به حزب مردم می بینیم اینرا بشما هشدار میدهم (بگفتار نمایندگان - در تمام ایران حزب ایران نوین رو میآورند) خیلی متشکرم بادم آوردید که در سازمانهای شهرستانها بتان تجدید نظری بفرمائید حزب رادر هر شهر متکی ب مردم آن شهر بوجود آورید نه مأمور دولت

عوض کرده اند این مقدمه یک دمکراسی است امتحان میکنید بد از آب در میآید معزول میکنید و یکی دیگر را میگذارند باید اینکار را بکنید برای اینکه آنها ز کار انقلاب شاگرد کلاس اولند و این کار تازه بهشان اختیار داده شده این آزادی را تازه از دولت سر پادشاه مملکت دارند باید با آنها فرصت داد که در این راه رشد کنند بنده این عریضی که کردم در مورد حزب خانم جهانبانی باز با الهام از نوشته های روز نامه خودتان است که واقعا آموزش است و نوشته دوره انزوا طلبی و تکروی سبزی شده یعنی باید حزبی باشد یک عامل مهم بیرونیهای ما این بود که فعالیت و تحریک حزبی استمرار داشت موسمی نبود گسترش کمی و کیفی حزب نخستین اصل برنامه ما است احزاب باید از امکانات مساوی برخوردار باشند این نظریه دیر کل شما است ولی آیا واقعاً امکانات مساوی است؟ (یکی از نمایندگان - بله) آری ما از امکانات مساوی برخورداریم اگر شما باین امکانات مساوی میگوئید بنده دیگر باشه عرضی ندارم (بانو جهانبانی - هر کس بقدر فعالیت خودش) بله هر کس بقدر فعالیتش ولی امکانات دولتی بایستی برای احزاب مساوی باشد من خیلی خوش آمد بگروزی، به آقای ولیان وقتی من اعتراض کردم که بانک کشاورزی یک کارهائی میکند گفت اگر مدارکی هست بدهید من تنبیه شان میکنم من وقتی با انومبیل وزارت میروم توی ده بعنوان وزیر حزبی نیستم هر وقت خواستم تبلیغ حزبی بکنم ماشینم کرایه میکنم اگر این برنامه واقعا از گفته عمل در بیاید به آقایان وزراء باید اضا داد که تحت تاثیر رویه مطلوب نخست وزیر و وزیرای حزبی

خواه رئیس کار باشد خواه رئیس شرکت تعاونی باشد خواه رئیس اصلاحات ارضی باشد خواه عضو دیگری باشد این عرض بنده است بعنوان نصیحت امیدوارم بنده من برای شما مفید باشد و توفیق پیدا کنید (احسنت).

**عباس میرزائی** - انشاءالله نصایح ما هم در شما اثر کند (خنده نمایندگان).

### ۳ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

**نایب رئیس** - با اجازت خانمها و آقایان جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح خواهد بود. (ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

**نایب رئیس مجلس شورای ملی** - **دکتر حسین خطیبی**